



چالش‌های حقوق حاکم بر استفاده از مین در جنگ‌های دریایی در پرتو فناوری‌ها و روش‌های جدید

بهزاد سیفی^۱

حسین شریفی طرازکوهی^۲

کارن روحانی^۳

رضا نصیری لاریمی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۲/۱۶

چکیده

توسعه و گسترش روزافزون فناوری‌های جدید موجب تغییرات عمده‌ای در روش‌ها و شیوه‌های جنگ دریایی و عملکرد متخاصمین شده است. مین دریایی از ابزار و شیوه‌های خاص جنگ دریایی است که از تحولات حقوق بین‌الملل و پیشرفت فناوری‌های جدید تأثیر پذیرفته و طیف وسیعی از حقوق بنیادین و موضوعات اخلاقی را مطرح کرده است که ضروری است، چالش‌های به‌کارگیری آنها از منظر حقوق جنگ مین دریایی مورد توجه قرار گرفته شود. کنوانسیون هشتم لاهه ۱۹۰۷ به‌کارگذاری مین‌های تماسی زبردیایی خودکار را قاعده‌مند نموده است، اما به‌نظر می‌رسد در خصوص اعمال کنوانسیون بر به‌کارگیری سایر مین‌های دریایی جدید اعم از کنترل شده و نفوذی و به‌کارگیری آنها در قلمروهای مختلف دریایی در زمان مخاصمه مسلحانه بین‌المللی ابهام و چالش‌هایی وجود دارد. در واقع پس از انعقاد کنوانسیون‌های لاهه تحولات فراوانی در عرصه فناوری و حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق توسل به‌زور، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل دریاهای رخ داده است که قلمرو و نحوه به‌کارگیری مین‌های دریایی را با تغییرات قابل ملاحظه‌ای مواجه نموده است. از این‌رو مقاله مذکور سعی دارد با ارزیابی انواع فناوری‌های مین دریایی و بررسی حقوق بین‌الملل حاکم بر جنگ دریایی و مین دریایی در پرتو حقوق توسل به‌زور و حقوق بشردوستانه، به تبیین چالش‌های ناشی از توسعه فناوری بر کنوانسیون هشتم لاهه، اصول حاکم بر جنگ مین دریایی و تأثیر حقوق بین‌الملل دریاهای

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران. seyfib@yahoo.com

^۲ دانشیار حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) hsharifit@yahoo.com

^۳ استادیار حقوق بین‌الملل واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران. karanrohani@yahoo.com

^۴ استادیار حقوق بین‌الملل واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی واحدی ساری، ساری، ایران. Reza_nasiri_larimi@yahoo.com

کاربرد مین دریایی بپردازد. روش تحقیقی حاضر روش تحلیلی - تدوینی است و روش جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای - اسنادی است.

کلید واژه‌ها

جنگ مین دریایی، حقوق بشردوستانه، فناوری، حقوق دریاها

مقدمه

توسعه روزافزون تجهیزات دریایی و پیشرفت فناوری در حوزه دریا، پس از جنگ‌های جهانی خود تأکیدی بر آن می‌باشد که روش‌ها و شیوه‌های جنگ دریایی در مخاصمات آینده هم‌چون قبل، نقش اساسی را ایفا خواهند کرد. به موازات این پیشرفت علم و فناوری در تمامی عرصه‌ها به‌ویژه عرصه دریا، جنگ‌ها و مخاصمات نیز گسترده‌تر و مدرن‌تر گردیده است، از جمله ابزار و شیوه‌هایی که در جنگ دریایی استفاده می‌شود به‌کارگیری مین‌های دریایی می‌باشد. پر واضح است، رعایت قواعد ناظر بر هدایت عملیات در مخاصمات مسلحانه دریایی با توجه به شرایط جوی و محیطی از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای نسبت به زمین برخوردار است.

مین دریایی یکی از سلاح‌هایی است که در زیر دریا مستقل از سایر تسلیحات دریایی به‌کار برده می‌شود. معمولاً، مین‌ها برای محدود کردن کشتیرانی بین‌المللی استفاده می‌شوند و اختفاء آن‌ها منجر به محصور شدن نیروهای دشمن خواهد شد که این امر اقدامات ضروری را برای رویارویی با تهدیدات مین‌های دریایی مطرح می‌کند» (Heinegg, 2009: 347). تهدیدات مربوط به مین دریایی تهدیدات جدیدی نیست. جهان تجربه برخورد با انواع گوناگون مین‌های دریایی را برای ۲۰۰ سال به همراه دارد (Cashman, 1994: 2). البته تاریخچه به‌کارگیری مین‌ها به زمان سلسله مینگ^۱ (در قرن ۱۶) بر می‌گردد، اولین نمونه مین برای هدف قرار دادن دزدان دریایی در خارج از سواحل چین به‌کار گرفته شد (International Security Department, 2014: 2). اما مین در قالب تکامل یافته آن به عنوان ادوات انفجاری در اعماق آب، در جنگ‌های داخلی آمریکا (۵-۱۸۶۱) به کار گرفته شد و از آن پس در مخاصمات دریایی از اهمیت نظامی برخوردار شده، به‌گونه‌ای که در عصر حاضر نیز در کلیه جنگ‌های دریایی از جنگ ژاپن ۱۹۰۵ گرفته تا جنگ اول خلیج فارس ۹۱-۱۹۹۰ استفاده شده است. استفاده گسترده و غیرکنترل شده از مین در جنگ ژاپن و روسیه (۴-۱۹۰۵-۱۹۰۵) به‌وسیله هر دو

^۱ Ming dynasty

کشور، خسارات فراوانی به کشتیرانی بی‌ضرر در مدت جنگ و پس از آن وارد آورد، که متأسفانه، غیرنظامیان نیز هزینه‌های گزافی را به علت استفاده نامحدود از مین‌ها متحمل شدند (رسوا، ۱۳۶۹: ۲۷۱). روشن است که مین‌های دریایی نقش مهمی در جنگ‌های دریایی ایفا می‌کنند. بعد از جنگ جهانی اول نیز تا به امروز هم‌گام با گسترش جهانی، مین‌های دریایی همچنان پیشرفت کرده‌اند و تهدیدی بزرگ برای امنیت دریایی و کشتیرانی بین‌المللی محسوب می‌شوند. در طول جنگ جهانی دوم بیش از ۵۰۰،۰۰۰ مین دریایی در اقیانوس‌ها ریخته شد و در خصوص این‌که چه تعداد از مین‌های دریایی، هنوز هم وجود دارند، اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. (Christina Pateraki, 2015: 1). علاوه‌براین، نیروی دریایی ایالات متحده به‌طور گسترده‌ای از مین‌های دریایی در طول جنگ ویتنام (Truver, 2015, 121) و حمله نظامی به نیکاراگوئه استفاده کرد و در جنگ خلیج فارس نیز طرفین متخاصم، آب‌های داخلی و دریای سرزمینی یکدیگر را مین‌گذاری کردند (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۷۳: ۲۰۲). در عملیات طوفان صحرا نیز، رزمناو USS پرینستون^۱ و ناو جنگی USS طریپولی^۲ در اثر برخورد با مین‌های ریخته شده توسط عراق، برای مدت طولانی بلا استفاده شدند. (Truver, 2012: 31). بنابراین، رویه عملی کشورها مبتنی بر به‌کارگیری و استفاده از انواع مختلف مین‌های دریایی در مخاصمات مسلحانه می‌باشد. مبرهن است که اختراع مین‌های دریایی شیوه‌های جنگ دریایی را متحول ساخته است، به نحوی که این ادوات توانسته‌اند از طریق آسیب‌رساندن به قسمت‌های آسیب‌پذیر کشتی‌ها موجب تخریب آنها شوند.

مهم‌ترین معاهده بین‌المللی حاکم بر وضعیت مین‌های دریایی قرار داد هشتم لاهه مورخ ۱۹۰۷ می‌باشد که به‌کارگیری مین‌های تماسی را قاعده‌مند نمود. این معاهده، بین ادعاهای رقابتی مختلف دولت‌ها، در خصوص منافع بشردوستانه و منافع نظامی و اولویت‌های تجاری و دریایی سازش برقرار نمود. (International Security Department, 2014: 2). اما نکته حائز اهمیت آن است که فناوری‌های نظامی در دریا از جنگ خلیج فارس به بعد به سرعت توسعه یافته است. این دگردیسی فناوری بیش از هرجایی، در حوزه‌های دریایی، فرماندهی و کنترل می‌باشد (Bastien, 2002: 26). به‌عبارت دیگر در جریان جنگ خلیج فارس، شکاف‌هایی در قواعد فعلی حاکم بر دریایی مسلحانه در دریا ظاهر گردید، این شکاف‌ها را نمی‌توان به‌سادگی

¹ Rousseau

² Cruiser USS Princeton

³ USS Tripoli

با تفسیر قواعد موجود پر کرد (گاتری^۱، رونزیتی^۲، ۱۳۷۴: ۱۰). در حقیقت بعضی از این شکاف-شکاف‌ها ناشی از دگرگونی‌های حقوق بین‌الملل دریاها و بعضی دیگر برآمده از پیشرفت فناوری می‌باشد. مین‌های دریایی از این پیشرفت مستثنی نبوده، و به سرعت در بین سایر سیستم‌های تسلیحاتی تحول یافته‌اند. توسعه فناوری‌های پیچیده و کاربرد فناوری‌های رایج در مین‌های مدرن تقریباً یکسان بوده است، از جمله این‌که در جدیدترین نسل مین‌ها: ریزپردازنده‌ها، سیستم‌های سونار، سازه‌های ایجاد شده از مواد غیرفلزی، معماری‌های طراحی شده منحصر به فرد، پوشش‌های جذب کننده، سنسورهای پیشرفته، وسایل ضد شناگر، کنترل از راه دور، و سیستم‌های راهنما و رانش به کار رفته‌اند (Cashman, 1994: 30). با این وجود، قواعد مربوط به مین‌های دریایی سنتی بوده و فناوری‌های مدرن را مدنظر قرار نداده است. حتی در همین راستا، در پیش‌نویس کنوانسیون هشتم لاهه تاکید شده بود که در سال ۱۹۱۴ بازنگری شود که وقوع جنگ جهانی اول مانع این امر گردید (Cashman, 1994: 58). بعد از جنگ جهانی دوم نیز فرصتی برای بازنگری و به‌روز نمودن قواعد مذکور فراهم نشد. از این‌رو با توجه به اهمیت بالقوه جنگ مین برای دولت‌ها ضروری است که ارزیابی آنها در پرتو فناوری‌های جدید و نه بر مبنای یک تصور منسوخ شده یا سنتی در مورد این قبیل تسلیحات، انجام شود (Hurley, 1997: 4). البته، پس از انعقاد کنوانسیون‌های لاهه تحولات فراوانی در عرصه حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق توسل به‌زور، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل دریاها رخ داده است که قلمرو و نحوه به‌کارگیری مین‌های دریایی را با تغییرات قابل ملاحظه‌ای مواجه نموده است. آشکار است، مین‌گذاری یکی از عرصه‌هایی است که بیشترین تأثیر را از فناوری داشته است. اگر چه کنوانسیون هشتم لاهه در مورد ریختن مین‌های تماسی زیردریایی خودکار به سال ۱۹۰۷ باز می‌گردد، اما به نظر می‌رسد در خصوص اعمال کنوانسیون بر به‌کارگیری سایر مین‌های دریایی جدید و حوزه‌های به‌کارگیری آنها در قلمروهای مختلف دریایی در زمان مخاصمه مسلحانه خلأ و ابهام‌هایی وجود دارد که نیاز به تبیین و بررسی دارد. لذا آنچه که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، «چالش‌های حقوق حاکم بر استفاده از مین در جنگ‌های دریایی در پرتو فناوری‌ها و روش‌های جدید» می‌باشد. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش آن است که «با توجه به پیشرفت فناوری‌ها و روش‌های جدید در زمینه مین‌های

¹ Guttry

² Ronzitti

³ Sensor

دریایی، کنوانسیون هشتم لاهه تا چه میزان قابلیت اجرایی در مورد آنها دارد؟^۱ سؤال فرعی آن است که «قاعده‌مندی به‌کارگیری مین‌های دریایی مدرن در مخاصمات مسلحانه دریایی تا چه میزانی از حقوق بین‌الملل عرفی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل دریاها متأثر است؟» فرضیه اصلی نگارندگان بر این است، «کنوانسیون هشتم لاهه قابلیت اعمال بر فناوری‌ها و روش‌های جدید به‌کارگیری مین دریایی را تا جایی که زمینه عرفی پیدا کرده است را دارد.» و فرضیه فرعی بر این است که «به‌کارگیری مین‌های دریایی مدرن تا حدود زیادی توسط حقوق بین‌الملل عرفی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل دریاها، قاعده‌مند شده‌اند.» روش تحقیقی نوشتار حاضر روش تحلیلی - تدوینی است و روش جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای - اسنادی است.

۱- جنگ مین دریایی و تحولات ناظر بر فناوری‌های مین دریایی

مین‌ها در زمره بهترین سلاح‌های دریایی می‌باشند که به‌طور گسترده در دسترس بوده و بسیار موثر می‌باشند (BRITISH MARITIME, 2011: section 1-12) براساس دستورالعمل سان رمو^۱ «مین دریایی وسیله‌ای انفجاری می‌باشد که در آب، بستر یا زیربستر دریا جهت وارد آوردن خسارت و یا غرق نمودن کشتی‌ها و یا ممانعت از ورود کشتی‌ها به قلمروهای مختلف دریایی ریخته یا کاشته می‌شوند» (San Remo Manual, 1994: Pan IV, Section I). ناتو نیز از تعریف فوق پیروی نموده است (International Security Department, 2014: 3). در همین راستا آنها همواره به عنوان یک سلاح مهم و با ارزش تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیکی در جنگ دریایی قابل توجه بوده‌اند. از این‌رو، جنگ مین، استفاده استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی از مین و اقدامات متقابل ضدمین می‌باشد (Professional Knowledge Book, 2016: 37) و جنگ مین دریایی ترکیبی از ریختن مین‌ها با هدف غرق نمودن کشتی‌های دشمن یا حداقل ممانعت از استفاده از دریا، و همچنین اقدامات ضدمین است که شامل همه اقدامات ضدمین برای کاهش یا جلوگیری از خطر یا خسارت به کشتی‌ها و افراد می‌باشد (Cashman, 1994: 8). مین‌های دریایی از هوا، سطح دریا و زیردریا پرتاب می‌شوند و در زمان مخاصمه مسلحانه دریایی در نقش‌های متنوعی، از قبیل دفاع از بنادر و سواحل، محاصره دریایی، جنگ ضدکشتی و ضد زیردریایی و ممانعت از دسترسی دشمن به مناطق دریایی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

¹ San Remo

البته نباید از این نکته غافل شد که امروزه به کارگیری مین‌های دریایی در زمان صلح و شرایط بحرانی پیش از محاصره به‌عنوان یک قاعده و همچنین رویه بین‌المللی پذیرفته شده است، لکن پرداختن به آن خارج از حوصله این مختصر است.

روشن است با توسعه و پیشرفت فناوری، مین‌های دریایی مدرن به سلاح‌هایی چند کاربرد و چند منظوره مبدل شده‌اند. از این‌رو در ساختار مین‌های دریایی تغییرات گسترده‌ای ایجاد شده که آنها را می‌توان از ساده به پیچیده طبقه‌بندی نمود: مین‌های اولیه در زیر و سطح آب شناور بودند و تابع از جزر و مد دریا محسوب می‌شدند. اما طی پیشرفت‌های بعدی، این ادوات از حس‌گرهای ترکیبی و مدار الکترونیکی برخوردار شدند به‌گونه‌ای که توسط صوت، مغناطیس، فشار و یا ترکیبی از آنها در زمان عبور کشتی فعال می‌شوند. لکن با توجه به پیشرفت‌های رخ داده در این صنعت، مین‌های دریایی را می‌توان به‌طور کلی به دو نوع مختلف طبقه‌بندی نمود:

۱- مین‌های تماسی: مین‌های تماسی به دو دسته مهار شده با لنگر و یا شناور تقسیم می‌شود. مین‌های لنگردار^۱ یا ثابت (مهار شده به ته لنگر) در بستر دریا و توسط یک زنجیر در زیر سطح دریا شناور (معلق) می‌باشند. آنها معمولاً بر اثر تماس با یک کشتی منفجر می‌شوند. مین‌های فاقد لنگر (شناور یا سرگردان^۲) نیز می‌توانند در هر عمقی از آب استقرار یابند. هنگامی که آنها ریخته می‌شوند، معمولاً دولت مین‌گذار هیچ کنترلی بر آنها ندارد، به‌ویژه هنگامی که آنها با جریان یا شرایط آب و هوایی غالب حرکت می‌کنند. بر این اساس، آنها بیشترین خطر را برای ورود خسارت به اهداف غیرمعیّن و غیرنظامی به همراه دارند. (International Security Department, 2014: 3).

۲- مین‌های نفوذی^۳ یا حساس به امواج دریایی، از طریق عوامل تحریک‌کننده فیزیکی و الکتریکی ناشی از کشتی و سایر اهداف دریایی در مجاورت مین فعال می‌شوند. اولین مین نفوذی در جنگ جهانی دوم مورد استفاده قرار گرفت، و اخیراً روش‌های تحریک‌کننده دیگری، از قبیل استفاده از فشار مغناطیسی، صوتی و الکتریکی در آب (فشار الکتریکی زیرآبی) ایجاد شده است. (Van Waning, J., 1993: 1755-1761). از جمله مین‌های نفوذی می‌توان به:

¹ Moored mines

² Drifting or floating mines

³ Influence mines

مین‌های کف‌نشین^۱، مین‌های کنترل از راه دور^۲، مین‌های متحرک پرتاب شده از زیردریایی^۳، مین‌های راکتی یا صعودی^۴، اشاره نمود (International Security Department, 2014: 3).

البته در تقسیم‌بندی دیگری، مین‌های دریایی برخی اوقات به مین‌های مسلح یا مین‌های کنترلی طبقه‌بندی می‌شوند. مین‌های کنترل شده دارای فناوری پیشرفته هستند که می‌توان آنها را از طریق سیگنال‌های^۵ صوتی کدشده فعال و غیرفعال کرد و «تا به واسطه یک دستور مسلح و فعال نشوند، قابلیت تخریب‌گری ندارند» (DEPARTMENT OF DEFENSE LAW, 2007 NWP 1-14M 9.2.1 OF WAR MANUAL, 2015: 892). مین‌های مسلح آنهایی هستند که یا با لنگر در کف اقیانوس مستقر می‌شوند و یا در سطح آب شناور می‌شوند و در اثر برخورد با یک کشتی منفجر می‌شوند. (SCHMITT, 1997: 21).

۲- حقوق بین‌الملل حاکم بر جنگ دریایی و جنگ مین دریایی

اصولاً هر نظام حقوقی، تجلی واقعیت‌های اجتماعی محیطی است که در آن نشو و نما پیدا می‌کند و بر همین اساس برای انتظام روابط میان اعضای جامعه باید همگام با تحولات اجتماعی پیش رود و با ضرورت‌های ناشی از آن هماهنگ گردد (زمانی، ۱۳۷۵: ۳۰). حقوق جنگ دریایی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در معرض واقعیت‌های عینی و محیطی قرار دارد. «حقوق جنگ دریایی، که روابط میان طرف‌های متخاصم با یکدیگر و با دولت‌های بی‌طرف را در دریا تنظیم می‌کند، تا حد زیادی در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در قالب اسناد بین‌المللی جای گرفته است. اعلامیه‌ها و معاهداتی که پیکره اصلی حقوق جنگ دریایی را تشکیل می‌دهند، عمدتاً در کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه به امضاء رسیده‌اند» (نیکنام، ۱۳۸۶: ۵۱). پس از کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه، اقدامات پراکنده‌ای برای تنظیم قواعد و مقررات ناظر بر جنگ دریایی صورت گرفت که اعلامیه ۱۹۰۹ لندن در مورد قاچاق جنگی و پروتکل ۱۹۳۶ لندن دربارهٔ زیردریایی‌ها حاصل آن اقدامات تلقی می‌گردند (زمانی، ۱۳۷۵: ۳۳). با این وجود با تصویب منشور ملل متحد، یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر، تحریم جنگ و منع توسل به زور است. جنگ و توسل به زور که در دوران گذشته و به

¹ Bottom mines

² Remotely controlled mines

³ Submarine launched mobile mines

⁴ Rising or rocket mines

⁵ Signal

لحاظ حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل حاکم بر روابط میان کشورها بوده، امروز همچون عامل مخرب روابط بین‌الملل و در نتیجه ناقض مقررات حقوق بین‌الملل شناخته شده است (ضیایی - بیگدلی، ۱۳۷۳: ۷۵). لذا حقوق بین‌الملل کوشیده است تا از دو راه، جنگ‌ها را به نظم درآورد. نخست، با محدود کردن دلایل اقدام به جنگ، دوم، با کم کردن تأثیر جنگ به وسیله وضع مقرراتی برای کاهش بی‌رحمی‌های ناشی از جنگ. (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۲: ۳۷۸) از این‌رو، توسل به عملیات قهر آمیز مسلحانه متضمن دو جریان سنتی است که کاملاً از یکدیگر متفاوتند: یکی جریان «JUS AD BELLUM»، یا همان حقوق توسل به زور، که ناظر بر مشروعیت توسل به زور است، به معنای «مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل در شرایطی است که تابع حقوق بین‌الملل مجاز به توسل به نیروی اسلحه باشد». جریان دیگر «JUS IN BELLO»، یا همان حقوق قابل اجرا در زمان مخاصمات است، یعنی زمانی که دولت به‌زور متوسل شود، این حقوق اعمال می‌شود که همان «حقوق جنگ» است. «هدف این حقوق، وضع قواعدی است که عملیات قهر آمیز مسلحانه باید طبق آنها اداره و هدایت شوند» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۷۵). «حقوق جنگ اغلب به حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در مخاصمات مسلحانه قابل کاربرد است برمی‌گردد و به‌طور خلاصه حقوق مخاصمات مسلحانه یا حقوق بشردوستانه نیز نامیده می‌شود» (Kalshoven, 2011: 1) (کنعانی، سیاه‌رستمی، حسین‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳). بر این اساس، تأثیر حقوق بین‌الملل معاصر، به‌ویژه با تصویب منشور ملل متحد بر دیگر عرصه‌های حقوق بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. همان‌طور که ذکر شد، حقوق جنگ دریایی عمدتاً بر معاهدات و اعلامیه‌هایی مبتنی است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به امضا رسیده بود؛ یعنی زمانی که نظام سیاسی و حقوقی حاکم بر آن دوران تا حدی زیادی از چشمه مشروعیت جنگ میان دولت‌ها سیراب می‌شد و کاربرد زور در روابط بین‌المللی ممنوع نبود (زمانی، ۱۳۷۵: ۳۴). از این‌رو مین دریایی از ابزار و شیوه‌های خاص جنگ دریایی است که از تحولات حقوق بین‌الملل و پیشرفت فناوری تأثیر پذیرفته است که این امر به وضوح بر مشروعیت استفاده از آنها تأثیر داشته است. از این‌رو در این بخش سعی بر آن است، محدودیت‌های حقوق توسل به زور در زمینه به‌کارگیری مین‌های دریایی، حقوق بشردوستانه و جنگ مین دریایی و کنوانسیون هشتم لاهه و دستورالعمل سان رمو را مورد بررسی قرار دهیم.

۲-۱ حقوق توسل به زور و جنگ مین دریایی

حقوق توسل به زور از یک سو مشروعیت خود را از ماده ۵۱ منشور ملل متحد تحت عنوان دفاع مشروع می‌گیرد که استثنایی بر اصل ممنوعیت توسل به زور است. به موجب ماده این

ماده، توسل به زور وقتی مشروع است که واکنشی در قبال تجاوز باشد (خسروی، ۱۳۷۱: ۸۷)؛ و از سوی دیگر استثنای نظام امنیت جمعی (فصل هفتم) است که شورای امنیت سازمان ملل مجاز به استفاده از زور به موجب قطعنامه تحت ماده ۴۲ فصل هفتم منشور می‌باشد. در واقع منشور با ممنوع ساختن توسل یا تهدید به زور در روابط بین‌المللی (بند ۴ ماده ۲) حوزه استفاده مشروع از زور را بیش از پیش محدود کرد (زمانی، ۱۳۷۵: ۳۴). پر واضح است که ممنوعیت تهدید یا توسل به زور در مورد جنگ دریایی و به‌کارگیری مین‌های دریایی نیز اعمال می‌شود. برای نمونه یک عامل مربوطه در تعیین اینکه ماده ۲ (۴) نقض شده است یا نه، در نظر گرفتن شرایطی است که از مین‌های دریایی برای تهدید و یا توسل به زور در دریای سرزمینی دولت دیگر استفاده می‌شود که از موارد نقض مقررات ماده ۲ (۴) خواهد بود، مگر اینکه مبنای مشروعی برای معافیت از مسئولیت ناشی از نقض مذکور وجود داشته باشد. در این راستا، «جان نورتون مور»^۱ یادآور می‌شود که ریختن پنهانی مین‌های دریایی به منظور توسل به زور، متفاوت از شلیک تسلیحات مستقر شده ساحلی به هنگام عبور کشتی‌های جنگی نیست، مگر اینکه اقدام مذکور در قالب استثنائات (دفاع مشروع یا فصل هفتم) منشور ملل متحد باشد. از این رو اگر براساس فصل هفتم، شورای امنیت مجوز لازم برای انجام چنین اقداماتی داشته باشد، این مجوز به وضوح، زمینه قانونی را فراهم می‌کند که بر اساس آن می‌توان مین‌های دریایی را به طور مشروع (یا تهدید به استقرار آنها) مستقر کرد، در غیر این صورت طبق ماده ۲ (۴) ممنوع خواهد بود. به همین ترتیب، یک کشور می‌تواند مین‌های دریایی را به موجب ماده ۵۱ منشور (حق ذاتی دفاع مشروع) و حقوق بین‌الملل عرفی در پاسخ به حمله‌ای مسلحانه به‌کار گیرد. البته شرایط دیگری نیز وجود دارد که یک دولت ممکن است مشروعیت ریختن مین‌های دریایی را قبل از وقوع مخاصمه مسلحانه بین‌المللی داشته باشد. برای نمونه در شرایطی که ممکن است تنش‌هایی پیش از مخاصمه وجود داشته باشد، دولت‌ها می‌توانند از مین‌ها به منظور انسداد منطقه‌ای از دریا استفاده کنند. البته این اقدام نایستی در آب‌های تحت حاکمیت سایر دولت‌ها انجام شود، اما ممکن است در آب‌های متعلق به کشور ساحلی (داخلی، سرزمینی و مجمع‌الجزایری) و یا در آب‌های بین‌المللی (مناطق انحصاری اقتصادی و دریاهای آزاد) رخ دهد. در این شرایط، ممکن است ریختن مین‌ها تهدید یا استفاده از زور علیه یک دولت خاص محسوب نشود، با این وجود، چنین اقداماتی ممکن است سایر قواعد بین‌المللی را

¹ John Norton Moore

نقض کند. به عنوان مثال، همان‌گونه که در بخش چهارم مورد بررسی قرار می‌گیرد، استقرار مین‌های دریایی، ممکن است مانع اعمال آزادی‌های دریانوردی دیگر کشورها در دریاهای آزاد و منطقه انحصاری اقتصادی شود و یا محدودیت‌هایی بر عبور بی‌ضرر در دریای سرزمینی وارد کند. (Letts, 2014: 451)

۲-۲ حقوق بشردوستانه و جنگ مین دریایی

حقوق بشردوستانه به عنوان مکمل حقوق توسل به زور و حداقل برای محدود ساختن پیامدهای غیرانسانی حقوق توسل به زور، ضرورت حیاتی دارد. با این حال، واقعیات حاکم بر روابط بین‌المللی به خوبی نشان می‌دهد که اغلب موارد توسل به زور نه با رعایت مواد ۴۲ یا ۵۱ منشور، بلکه در خارج از این چارچوب‌ها صورت می‌پذیرند. با این حال، حقوق بشردوستانه که فارغ از مسأله مشروعیت توسل به زور، تنها به محدود ساختن پیامدهای ناشی از جنگ یا مخاصمه می‌اندیشید، بازیگران بین‌المللی را ملزم می‌سازد، عملیات جنگی را به تضعیف توان رزمی دشمن محدود نموده و به همین حد از خشونت بسنده نمایند (زمانی، ساعد، ۱۳۸۷: ۱۳). بنابراین، می‌توان گفت حقوق بشردوستانه در تلاش است تا از میزان آلام گروه‌های درگیر در جنگ بکاهد و رفتار انسانی با نظامیان و غیرنظامیان را تضمین نماید. از سوی دیگر این بخش از حقوق بر این اصل استوار است که تنها هدف مشروع جنگ تضعیف قوای نظامی حریف متخاصم می‌باشد. اما پس از جنگ جهانی دوم «با تحول چشم‌گیر ادوات نظامی نوین و بروز جنگ‌های داخلی، جنگ‌های مدرن هر روز بیش از پیش به جنگ تمام عیار تبدیل شدند که در آن بر شمار قربانیان غیرنظامی افزوده شد. به عبارت دیگر، با ظهور تحولات در فناوری‌های تسلیحاتی، جامعه بین‌المللی شاهد افزایش خطرات برای غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه می‌باشد» (Mathews, Mc Cormack, 1999: 65-66). لیکن در اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به استثنای بخشی از حقوق ژنو که در سال ۱۹۴۹ با کنوانسیون دوم برای حمایت از مجروحین، بیماران و کشتی‌شکستگان به اوج خود رسیده است، متأسفانه تا به امروز هیچ کنفرانس بین‌المللی نتوانسته است پیش‌نویس قواعدی برای حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در مقابل فعالیت‌های خصومت‌آمیز در دریا را تحت پوشش قرار دهد (Kalshoven, 2011: 27). پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ نیز، علاوه بر جنگ‌های زمینی، تا حدودی در مورد جنگ‌های دریایی (حمله به اهداف ساحلی) به‌کار برده می‌شود. بر اساس بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول، مقررات بخش اول (مواد ۶۷-۴۸) «بر هرگونه جنگ زمینی، هوایی یا دریایی

که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی، افراد نظامی یا اهداف غیرنظامی واقع در خشکی تأثیر بگذارد، اعمال می‌گردد. این قواعد بر کلیه حملات از دریا یا از هوا علیه اهداف واقع در خشکی، اعمال می‌شود» (27 : Kalshoven, Delissen, Tanja, 1991). در خصوص قابلیت اعمال قواعد پروتکل الحاقی بر جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی در طول جنگ دریایی، این ماده و همچنین بند ۴ ماده ۴۹ پروتکل اول در حمایت از مواضعی متضاد و متناقض مورد استناد قرار گرفته‌اند. بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول صرفاً اعمال مواد ۶۷-۴۸ پروتکل را در جنگ دریایی مستثنی می‌سازد. سایر مقررات پروتکل اول به ویژه مواد ۴۱-۳۵ قابل اعمال هستند. بخش اول پروتکل، ناظر بر جنگ دریایی است که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی واقع در خشکی، تأثیر بگذارند و علاوه بر این، در خصوص حملات از دریا علیه اهداف واقع در خشکی نیز قابل اعمال می‌باشد (فان هینگ^۱، ۱۳۸۷: ۵۵۳). برای مثال بند ۴ ماده ۵۷ مقرر می‌دارد که متخصصین در انجام عملیات نظامی خود در دریا تمام احتیاطات معقول را برای احتراز از سلب حیات افراد غیر نظامی و خسارت به اهداف غیر نظامی مبذول خواهند داشت. از این رو بند ۳ ماده ۴۹، مواد ۴۸ تا ۶۷ پروتکل را در موارد زیر قابل اعمال می‌سازد: الف: عملیات دریایی؛ هر چند محل انجام آنها زمین نیست و فقط در مناطق دریایی صورت می‌گیرد لیکن ممکن است متوجه جمعیت غیر نظامی یا هدف‌های غیر نظامی روی زمین گردد. ب: بمباران دریایی علیه هدف‌های روی زمین. از سوی دیگر بند ۴ ماده ۴۹ مقرر می‌دارد که مقررات بخش چهارم به دیگر قواعد حقوق بین‌المللی قابل اعمال در مورد حمایت از غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی در دریا در مقابل آثار مخاصمات افزوده می‌شود و بر این اساس، روشن است که قواعد بخش چهارم نه فقط در مورد عملیاتی که از دریا علیه زمین صورت می‌گیرد بلکه در مورد درگیری کشتی‌ها با یکدیگر نیز اعمال می‌شود. (زمانی، ۱۳۷۵، ۵۰). با این وجود لازم است در نظر بگیریم که آیا حقوق مخاصمه مسلحانه می‌تواند استفاده از مین‌های دریایی را به عنوان یک ابزار یا روش جنگی ممنوع و یا مجاز کند. در پاسخ به این سؤال در ابتدا می‌توان به راحتی استدلال کرد که «مشروعیت استفاده از مین، از جمله مین‌های تماسی زیردریایی خودکار (و مین‌های مدرن)، از اصول کلی مندرج در کنوانسیون هشتم [لاسه] مستفاد می‌شود». با این وجود، برخی از تفاوت‌های ظاهری در مورد مین‌ها وجود دارد که باید به طور کامل آن را ارزیابی کرد. برای انجام این کار، می‌بایستی به‌کارگیری آنها را در پرتو اصول اساسی حقوق

^۱ Von Heinegg

بشردوستانه از جمله اصل تمایز، تناسب، اقدامات احتیاطی، ضرورت نظامی و اصل محدودیت که موضوع بخش سوم می‌باشد مورد بررسی قرار داد. (Letts, 2014: 452) اما قبل از پرداختن به اصول اساسی حقوق بشردوستانه، ضروری است که کنوانسیون هشتم لاهه (مقررات معاهده-ای) و چالش‌های ناشی از پیشرفت فن‌آوری فراروی آن کنوانسیون و دستورالعمل سان رمو را مورد بررسی قرار دهیم.

۲-۳ کنوانسیون هشتم لاهه ۱۹۰۷ و جنگ مین دریایی

اصولاً استفاده از مین‌های دریایی به عنوان یکی از شیوه‌های جنگ دریایی مشروع است اما از آنجایی که ممکن است چنین مین‌هایی به کشورهای بی‌طرف در جنگ نیز لطمه وارد آورد، مقررات قراردادی در این زمینه وضع شده است که مهم‌ترین معاهده بین‌المللی حاکم بر وضعیت مین‌های دریایی قرار داد هشتم لاهه مورخ ۱۹۰۷ می‌باشد (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۷۳: ۲۰۱)، براساس آن، اگر «میادین مین به طور معقول توسعه یابند، صرف نظر از این‌که آن‌ها اهداف عملیاتی یا استراتژیکی را رهگیری نمایند، صرفاً اگر امنیت دریانوردی بی‌ضرر را در معرض خطر قرار ندهند، به‌کارگیری آنها منطبق با حقوق جنگ دریایی می‌باشد» (Heinegg, 2009: 347). کنوانسیون هشتم لاهه به‌کارگیری مین‌های دریایی را که به‌طور جدی تهدیدی علیه هر دو کشتی‌های جنگی و تجاری هستند را قاعده‌مند کرده است.

بر اساس این ماده، حق بر مین‌گذاری در طول یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یک حق انحصاری برای طرفین متخاصم نیست. کشورهای بی‌طرف ممکن است طبق یک اقدام دفاعی و به منظور دفاع از بی‌طرفی‌شان، اقدام به مین‌گذاری در آب‌های داخلی خود و دریای سرزمینی‌شان نمایند. با این حال به منظور محافظت از کشتیرانی بی‌ضرر، دولت بی‌طرف نیز بایستی از اقدامات احتیاطی که متخاصمین ملزم به رعایت آنها هستند، پیروی نماید (HAGUE VIII art. 4; DEPARTMENT OF DEFENSE LAW OF WAR MANUAL, 2015: 894). ماده ۴ مقرر می‌دارد: دولت‌های بی‌طرفی که مین‌های تماسی خودکار را در آب‌های داخلی و دریایی سرزمینی‌شان ریخته‌اند، ملزم به رعایت همان قواعد و اقدامات احتیاطی الزامی برای طرفین متخاصم می‌باشند. علاوه براین، دولت بی‌طرف بایستی مالکان کشتی را از طریق یک اخطار سریع از محلی که مین‌های تماسی خودکار ریخته شده است، مطلع نماید. از این‌رو بایستی اطلاع‌رسانی به دولت‌ها از طریق مجاری دیپلماتیک صورت پذیرد. علاوه بر تعهدات فوق‌الذکر، «دولت بی‌طرف ملزم است از هر گونه اقدام ناسازگار با حقوق

بی طرفی و نقض حقوق بین الملل، به واسطه پاکسازی مین های کار گذاشته شده پرهیز نماید» (Stephens, Fitzpatrick, 1994: 588).

ماده ۵ کنوانسیون در به رسمیت شناختن ضمنی دامنه تعهد و حقوق طرفین متخاصم حائز اهمیت است. براساس آن یک دولت در حال جنگ مشروعیت به کارگیری مین را دارد، اما در پایان جنگ، چنین دولتی تعهدات کاملا دقیقی در خصوص پاکسازی مین های دریایی را بر عهده دارد. عملیات پاکسازی یک عملیات طراحی شده برای پاک کردن و خنثی سازی مین های دریایی در مسیرهای دریایی می باشد (GORTNEY, 2016: 23). برداشتن مین های دریایی در پایان مخاصمه ممکن است براساس یک توافق خاص میان دولت های انجام شود (نمونه آن قرار داد آمریکا و ویتنام بود که طبق ماده ۱ آن آمریکا متعهد به جمع آوری مین های ریخته شده گردید). به طور معمول عملیات مین رویی توسط دولتی به اجرا درمی آید که خود اقدام به مین گذاری نموده، و توسط غیرمتخصصین نیز انجام می شود (گاتری، رونزیتی، ۱۳۷۴: ۴۴۷). در پایان جنگ، براساس کنوانسیون هشتم لاهه طرفین متخاصم و بی طرف متعهدند با حداقل تاخیر ممکن، در راستای تامین امنیت کشتیرانی نسبت به جمع آوری مین های دریایی که در آب هایشان ریخته اند اقدام نمایند. از این رو، چنان چه یکی از متخاصمین مین های تماسی خودکار ثابت را در سواحل دولت دیگر ریخته باشد، بایستی موقعیت مین ها را به طرف دیگر اطلاع دهد. (HAGUE VIII art. 5). البته دستورالعمل سان رمو نیز از این قاعده پیروی کرده و طرفین را ملزم به اشتراک گذاشتن اطلاعات فنی در مورد برداشتن چنین مین هایی پس از توقف مخاصمات نموده است. (San Remo Manual, 1994: para. 90-91). امروزه فناوری های دریایی به راحتی می توانند در خدمت پاکسازی و ثبت میدین مین قرار گیرند. ثبت مکان تک تک مین های کاشته شده در هر مکانی با ابزارهای هم چون GPS، سونار^۱ که ابزاری اولیه برای کشف و طبقه بندی تماس ها (نویزها^۲) می باشد و وسایل بدون سرنشین زیرسطحی که نقش بسیار مناسبی در پاکسازی و مین رویی دارند، به راحتی امکان پذیر است (Hurley, 1997: 2, Truver, 2012: 37).

۲-۳-۱ چالش های ناشی از پیشرفت فناوری فرا روی کنوانسیون لاهه

عدم توانایی قواعد پذیرفته شده در کنوانسیون های لاهه در خصوص محدود نمودن شمار

¹ Sonar

² noise

قربانیان مخاصمات دریایی در طول دو جنگ جهانی آشکار شد. علاوه بر این با پیشرفت فناوری‌ها در گذر زمان این قواعد تا حدودی قدیمی (یا منسوخ) شده‌اند (Sassòli, Bouvier, Quintin, ICRC: 2)، در خصوص مین‌های دریایی نیز با توجه به مین‌گذاری فراگیر و نامحدود در دو جنگ جهانی و پیشرفت فناوری در این زمینه، رابطه حقوقی کنوانسیون هشتم لاهه به تدریج به یک موضوع اختلافی تبدیل شده است. در حقیقت کنوانسیون هیچ پیش‌بینی برای پیشرفت فناوری مین برای جنگ‌های دریایی آینده را در بر نداشته و مین‌های دریایی تنها یک سال پس از انعقاد کنوانسیون، در پرتو عقیده و تفکر افرادی که کنوانسیون را تنظیم کرده بودند به صورت برق‌آسا پیشرفت کردند. در آن زمان «هواردلویو»^۱ اظهار داشت که زمان آن رسیده که کنوانسیون جدیدی درباره‌ی مین‌های دریایی نوشته شود (Bennet, 1998). کنوانسیون هشتم این تردید را بر جای گذاشت که آیا مقررات آن بر مین‌های عمیق، مین‌های مدرن ایمن شده، یا مین‌های کنترلی که با ابزارهایی مانند وی.ال.اف^۲ فعال می‌شوند قابل اعمال است یا نه. این مین‌های پیشرفته و با دقت بالا در قالب عبارت‌پردازی کنفرانس قرار نمی‌گیرند، به دلیل این که مین‌های فوق به علائم صوتی و مغناطیسی یا تغییرات در فشار آب واکنش نشان می‌دهد نه صرفاً با یک تماس فیزیکی (فان هینگ، ۱۳۸۷، ۵۸۵). اما نباید از نظر دور داشت که مین‌های تماسی خودکار قدیمی هنوز از سوی بسیاری از نیروهای دریایی دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، به نظر می‌رسد در حال حاضر کنوانسیون در ظاهر و نظر به عبارت‌پردازی صریح آن و با توجه به پیشرفت فناوری مین‌های دریایی و سایر تحولات حقوق بین‌الملل، منسوخ و یا قدیمی شده است، که این امر نیاز به تبیین و بررسی دارد.

به نظر می‌رسد، برای پاسخ‌گویی به این موضوع که آیا کنوانسیون هشتم لاهه در مورد مین‌های دریایی مدرن و جنگ‌های دریایی آینده قابلیت اعمال دارد، می‌بایستی بین بخش‌های فنی و اختصاص یافته به مین‌های تماسی و سایر تعهدات مندرج در کنوانسیون که اختصاص به تعهد دولت‌ها در خصوص نحوه مین‌گذاری و تعهدات ناشی از مین‌گذاری، مناطق تعیین شده برای مین‌گذاری، تعهدات دولت‌های بی‌طرف و در نهایت تعهدات دولت‌ها پس از پایان مخاصمه در خصوص پاکسازی و مین‌روبی میادین که تعهداتی کلی می‌باشند، تفکیک قائل شد. مسلماً مفاد کنوانسیون می‌بایستی مورد تفسیر واقع شود، براساس شرط اصلی تفسیر، تفسیر بایستی با

¹ HowardsLevie

² V.L.F

هدف و موضوع کنوانسیون سازگار باشد.

ایراد اصلی وارد بر کنوانسیون عدم تعریف مین‌های دریایی می‌باشد، کنفرانس لاهه در وهله اول اصطلاح اژدر^۱ را برای در بر گرفتن مین‌ها مورد استفاده قرار داد، در حالی که در طول مخاصمات مین‌ها از اژدرها تفکیک شده‌اند. با اینکه هیأت‌ها در آن هنگام توافقی در مورد ارائه یک تعریف نداشتند، اما عدم توافق بیشتر حول این عبارت بود (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۸۶). از این‌رو تعریف دقیق مین‌های دریایی تا حدودی می‌تواند ابهام را از کنوانسیون رفع نماید. براساس همین ابهام است که در مورد کاربرد ماده ۱ در خصوص مین‌های مدرن کمی جای تامل وجود دارد. فن‌آوری حال حاضر، تا بحال از دو نوع مین دریایی موجود در زمان تهیه پیش‌نویس کنوانسیون پیشی گرفته است. امروزه، انواع زیادی از مین‌های «حساس به امواج دریایی یا نفوذی» وجود دارند که از طریق تماس مستقیم فعال نمی‌شوند، بلکه ممکن است به تعدادی از عوامل دیگر، از جمله فشار، صوت، مغناطیس و دیگر امواج دریایی یا عوامل نفوذی واکنش نشان دهند. در حالی که با توجه به انواع مین‌های دریایی که در حال حاضر در دسترس می‌باشند و نیز اوضاع و احوالی که در تهیه پیش‌نویس کنوانسیون وجود داشته است، این اهمال، صرفاً بواسطه تصویری که طراحان کنوانسیون از انواع مکانیسم‌های تحریک‌کننده در مورد مین‌های دریایی داشته و به‌کار می‌رفته محدود شده است. از این‌رو به نظر می‌رسد حصری بودن کنوانسیون به مین‌های تماسی زیردریایی خودکار ثابت و شناور ناشی از فناوری موجود در آن زمان بوده است و به همین علت نیز تنها یک سال پس از تصویب کنوانسیون برخی به ایجاد کنوانسیون جدیدتر که قابلیت اعمال بر انواع متنوعی از مین‌های دریایی را داشته باشد اندیشیده‌اند، این در حالی است که در تعریف مین‌های دریایی و با توجه به انواع مین‌ها که شرح آنها گذشت، و یکسان بودن پیامدهای برآمده از انواع آنها، و اهداف مورد نظر برای به‌کارگیری آنها، تفاوت تنها ناشی از نحوه تحریک آنها می‌باشد. چرا که در یک تعریف کلی قابل اعمال بر همه مین‌های دریایی، «مین‌های دریایی، وسایل منفجره زیرآبی هستند که به‌منظور غرق نمودن یا آسیب رساندن به اهداف و یا ممانعت از ورود اهداف به یک منطقه دریایی به‌کار برده می‌شوند» (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 561). کاملاً واضح است که این تعریف حصری نبوده و می‌تواند انواع مین‌ها دیگر را نیز در بر بگیرد. در واقع نکته اصلی این‌جاست که بدون تردید، اگر پیش از تهیه کنوانسیون فناوری‌های رایج در خصوص صنعت

^۱ Torpedo

مین وجود داشت، مین‌ها محدود به مین‌های تماسی نمی‌شدند. با این وجود، و با توجه به گستردگی مین‌های دریایی و تعریف گسترده‌ای که از اصطلاح مین دریایی شد، این موضوع هم‌چنان باقی می‌ماند که آیا گستره ماده ۱ شامل مین‌های مدرن دریایی می‌شود. اگر شامل نشود، قاعدتا این ماده بی‌کاربرد است. از این‌رو در تفسیر نهایی از ماده مذکور دو نگرش و استدلال مطرح می‌شود، اول این‌که ماده مذکور شامل مین‌های دریایی مدرن نشود و قواعد مندرج در کنوانسیون مذکور به عنوان قواعد منسوخ در مورد مین‌های دریایی مدرن مطرح و صرفاً بر مین‌های تماسی قابل اعمال باشد و دوم این‌که ماده ۱ در خصوص انواع مین‌های دریایی رایج قابل اعمال باشد.

بدون تردید نگرش و استدلال اول نسبت به ماده ۱، از یک سو نشأت گرفته از تفاوت فنی و عامل تحریک کننده در مین‌های تماسی و مدرن می‌باشد، این نگرش پیش‌داورانه بوده و «متکی بر توسل به تفسیر حداکثری قاعده - «*expressio unius EST exclusio alterius*» بوده به این معنی که، «در تفسیر حداکثری قاعده؛ یک چیز را با محروم سازی از چیزهای دیگر بیان می‌کنند» (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 561). از سوی دیگر همان‌گونه که قبلاً نیز مورد اشاره قرار گرفت مین‌های تماسی هنوز هم مورد استفاده بسیاری از نیروهای دریایی قرار می‌گیرند و در طول جنگ‌های جهانی، به‌طور حداکثری از انواع مین‌های تماسی و همچنین مین‌های مدرن استفاده شد. در طول مداخلات مسلحانه از سال ۱۹۴۵ متخاصمان تنها در موارد محدودی (جنگ کره، ویتنام، ایران و عراق، عملیات طوفان صحرا)، مین‌های پیشرفته و مدرن را به‌کار گرفته‌اند (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۸۹) و در حال حاضر بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی نیروهای دریایی تمایز بین انواع مین‌های دریایی (تماسی و مدرن) و به‌کارگیری آنها و اعمال کنوانسیون لاهه بر مین‌های مدرن را پذیرفته‌اند. از این‌رو چنین نگرش و استدلالی، به‌طور واضح غایت ماده ۱ را عقیم می‌کند. و بایستی ناکارآمدی آن و ناسازگاری‌اش با رویه دولت‌ها را نیز در نظر گرفت. بدیهی است که نگرش دوم یعنی کاربرد ماده ۱ در خصوص انواع مین‌های دریایی رایج منطبق با حقوق بین‌الملل عرفی و رویه دولت‌ها است. این استدلال و نگرش اجازه می‌دهد که کنوانسیون هشتم لاهه، نه تنها نسبت به وضعیت مین‌های تماسی خودکار اعمال شود، بلکه، بدون تمایز در مورد مین‌های مدرن نیز اعمال شود، که هم با رویه دولت‌ها منطبق است و هم به‌کارگیری سایر مین‌های دریایی را قاعده‌مند می‌کند، علاوه بر این چنین تفسیری با الزام کلی دولت‌ها به خودداری از اعمالی که با هدف و موضوع معاهده در

تضاد است، سازگار می‌باشد (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 561; Hague Convention VIII,) (art. 1).

۲-۴ دستورالعمل سان رمو و جنگ مین دریایی

هر چند اکثر مفاد کنوانسیون‌های لاهه در قیاس با دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی، هنوز هم قابل اجراست. لکن در سال ۱۹۸۷ یک سری نقدها بر این کنوانسیون از سوی موسسه بین‌المللی حقوق بشردوستانه سان رمو وارد گردید که پس از چند دیدار جدی بین کارشناسان نظامی نیروی دریایی و حقوق‌دانان بین‌المللی در حوزه دریا تحت نظر موسسه مذکور و با همکاری سازمان جهانی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۴ دستورالعمل سان رمو را بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد کردند و با وجود این که دستورالعمل مذکور یک سند الزام‌آور نمی‌باشد اما بازنگری معاصر از حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه در دریا به عمل آورد (Kalshoven, 2011: 27) و به‌طور کلی حقوق بین‌الملل عرفی در مخاصمات مسلحانه دریایی را مورد قبول و مورد توجه قرار داده است. البته برخی نیز بر این اعتقادند که دقیق‌ترین و متداول‌ترین قواعد ناظر بر جنگ دریایی در راهنمای سان رمو مشاهده می‌شود. (Klein, 2011: 286). مفاد دستورالعمل راهنمای سان رمو در رابطه با جنگ مین دریایی به شدت بر کنوانسیون لاهه و ترکیب مقررات این کنوانسیون با پیامدهای مبتنی بر نگرش‌های رویه‌ای دولت‌های خاص و مرتبط با آراء قضایی و بیشتر با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، از قبیل آنهایی که در پروتکل الحاقی اول درج شده‌اند بنا شده است (Stephens, Fitzpatrick, 1999, 580). این دستورالعمل توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی‌اش تایید شد (Griggs, 2005: 151) و در کتابچه‌ها و راهنماهای نظامی ۲۵ کشور و به‌ویژه بسیاری از قدرت‌های دریایی، گاه به‌طور کامل (انگلیس و کانادا) و یا تقریبی (ایالات متحده امریکا) (Mundis, 2008: 46) و یا فراتر از آن (آلمان) (Jeffrey Drew, 2012: 108) پذیرفته و مورد استناد واقع شده است (Guilfoye, 2006: 742). مبرهن است، «کنوانسیون هشتم لاهه توسط دستورالعمل سان رمو (مواد ۸۰ الی ۹۲) به روز شده است» و بخش‌هایی نیز توسط سان رمو به قوانین لاهه ۱۹۰۷ افزوده شده است که همگی مبتنی بر حقوق عرفی می‌باشد. براساس دستورالعمل سان رمو:

- از مین صرفاً برای مقاصد مشروع نظامی از قبیل جلوگیری از استفاده‌ی دشمن از مسیرهای دریایی می‌توان استفاده کرد.

- مادامی که مین‌ها حاوی مکانیسم خنثی سازی موثری نباشند که در هنگام جدا شدن [از هدف] یا از کنترل خارج شدن آن‌ها عمل کند، نباید از این مین‌ها استفاده نمود.
- از مین‌هایی که به طور آزاد شناور باقی می‌مانند نباید استفاده نمود مگر آنکه به سمت یک هدف نظامی هدایت شوند و ظرف یک ساعت پس از آنکه از کنترل خارج شدند خنثی شوند.
- باید در مورد نصب مین‌ها یا مسلح شدن مین‌های از پیش نصب شده، اخطار صادر شود، مگر آنکه این مین‌ها از نوعی باشند که تنها در صورت تماس با شناورهایی که هدف نظامی هستند منجر گردند.
- مکان‌های مین گذاری شده باید ثبت شوند.
- مین گذاری باید به گونه‌ای انجام شود که دسترسی کشتی‌های بی‌طرف به دریای آزاد را امکان پذیر سازند و مسیرهایی که از تنگه‌های بین‌المللی و خطوط دریایی مجمع‌الجزایری می‌گذرند را باز نگاه دارند (San Remo Manual, 1994: Explanation, para. 81-89)
- هدف از مکانیزم‌های خنثی‌سازی آن است که اطمینان حاصل گردد که پس از آن‌که مین‌ها از کنترل خارج شدند دیگر خطری از جانب آن‌ها متوجه کشتی‌رانی نمی‌شود. ثبت [مناطق مین گذاری شده] از آن جهت ضرورت دارد که اطمینان حاصل گردد می‌توان در این خصوص اخطار داده و پس از خاتمه‌ی مخاصمات فعال نیز مین‌روبی امکان پذیر باشد. (San Remo Manual, 1994: Explanation, para. 90-91)

در خصوص اصول و مواد مذکور، تفسیر دستورالعمل سان رمو اشاره می‌کند که برخی اصول اساسی که از کنوانسیون هشتم لاهه و حقوق بین‌المللی عرفی مشتق شده است، حقوق مربوط به جنگ مین دریایی را تشکیل می‌دهند. این اصول در موارد متعددی از جمله در قضایای کانال کورفو، نیکاراگوئه و سکوه‌های نفتی، توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تقویت و یا تصدیق شده است. (Letts, 2014: 449)

به‌طور کلی اعمال کنوانسیون هشتم لاهه بر مین‌های دریایی مدرن بسیار مهم و موثر است. با عنایت به اینکه مفاد کنوانسیون و به‌ویژه بیشتر تمایلات بشردوستانه که در مفاد این کنوانسیون پی‌ریزی شده است، توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید شده است. چنین اصولی، اساساً تعهدات قطعی دولت‌ها محسوب می‌شوند. علاوه بر این، بسیاری از قواعد مندرج در کنوانسیون در حقوق بین‌الملل عرفی متبلور شده است (Corfu Channel, 1949 I.C.J. 4 (9) para. 22; (Nicar. V US) 1986 I.C.J. 14 (27 June) para. 292. 15, para 215. April)

16). از این رو مقررات کنوانسیون در مورد مین‌های دریایی قدیمی و مدرن قابل اعمال است و بدین وسیله از بروز مشکلات موجود در ارتباط با قابلیت اعمال کنوانسیون لاهه بر مین‌های دریایی اجتناب می‌شود. از این رو همان‌طور که ذکر شد فن‌آوری مین‌های دریایی پیشرفته با تفسیر سطحی از مفاد کنوانسیون، تحت پوشش آن معاهده قرار نمی‌گیرد، اما از آنجا که مفاد کنوانسیون حاکم بر مین‌های تماسی خودکار وضعیت عرفی دارد و در کنار اصول حقوق بین‌المللی عرفی قالب‌هایی را ایجاد کرده است که با استفاده از آنها، استفاده از مین‌های دریایی قدیمی و مدرن را قاعده‌مند نموده است (Cashman, 1994: 58; Stephens, Fitzpatrick,) (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۸۶). بدون تردید سایر مقررات کنوانسیون لاهه توسط حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق بشردوستانه تاحدودی تعدیل و توسعه یافته است که موضوع مورد بحث بخش سوم این مختصر می‌باشد. اما نکته حائز اهمیت دیگر، قلمروهای جغرافیایی به‌کارگیری مین‌های دریایی است که در اثر تحولات حقوق بین‌الملل عرفی و دریاها تغییر یافته و مسلماً قواعد کنوانسیون را در این مورد اگر نگوییم بی‌کاربرد، تغییر و توسعه داده است. که موضوع مورد بحث چهارم می‌باشد.

۳- اصول حاکم بر جنگ مین دریایی

دولت‌ها در کلیه شرایط ملزم به رعایت و تضمین اصل محدودیت حق متخاصمین در انتخاب روش‌ها و یا وسایل نبرد هستند که محدودیت مذکور در قالب دو شیوه، محدودیت ناشی از اصول عمومی حاکم بر تسلیحات (اصول بنیادین حقوق بشردوستانه) و محدودیت و یا ممنوعیت‌های پذیرفته شده از سوی جامعه بین‌المللی در خصوص کاربرد سلاح و یا شیوه نبردی خاص مطرح می‌شود که مین‌های دریایی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند.

۳-۱ اصول حقوقی حاکم بر جنگ مین دریایی (تعهدات حقوقی دولت مین‌گذار)

اصول حقوقی حاکم بر مین‌های دریایی پیشین و مدرن به عنوان یک ابزار و شیوه‌جنگ دریایی در وهله اول برگرفته از کنوانسیون لاهه و حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشد که تعهداتی بر دولت مین‌گذار وارد نموده است، «در حقیقت اصول عرفی ناشی از مواد، ۱، ۲، ۳، و ۵ کنوانسیون هشتم لاهه می‌باشد که باید در هنگام کارگذاری مین‌های دریایی جدید، مورد توجه قرار گیرد» (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۸۸). به‌طور کلی، هر شیوه‌ای از مین‌گذاری یا بعد از شروع یک مخاصمه مسلحانه، باید تابع اصول نظارت موثر، کنترل خطر و اخطار باشد (کنوانسیون هشتم لاهه)، به ویژه همه اقدامات احتیاطی باید برای امنیت دریانوردی صلح‌آمیز به عمل آمده

و مدنظر قرار گرفته شود. که این شیوه‌ها در اثر پیشرفت فناوری مین‌های دریایی تا حدود تعدیل شده است.

ملاحظات اولیه بشردوستانه. اولین اصولی که به صورت ضمنی از مفاد کنوانسیون لاهه منتج می‌شود ملاحظات اولیه بشردوستانه است، دیوان بین‌المللی دادگستری در رای کانال کورفو، «ملاحظات اولیه بشردوستانه» را به عنوان اصولی اساسی که در بردارنده تعهداتی برای دولت‌های مین‌گذار می‌باشد» را به رسمیت شناخت. همچنین دیوان در رای مذکور، علیرغم رویه متعارض دولت‌ها در مخاصمات، کنوانسیون هشتم لاهه را نافذ دانست و دیوان ماهیت عمومی بودن ملاحظات اولیه بشردوستانه را ذکر نموده است و کارآیی این‌گونه اصول را در تمامی اوضاع و احوالی که کاربرد داشته مورد پذیرش قرار داده است. (Channel Case, 1949: para. 22 Corfu) مسلماً امروزه رعایت ملاحظات اولیه بشردوستانه در جنگ مین دریایی، نه تنها شامل: اصل نظارت موثر، تعهد به اطلاع‌رسانی و اخطار، اقدامات احتیاطی و سایر اصول خاصه جنگ دریایی می‌شود، بلکه اصول کلی حقوق بشردوستانه، از جمله اصل تفکیک، اصل محدودیت و اصل ضرورت و تناسب را نیز شامل می‌شود.

اصل نظارت موثر. این اصل برای حفظ اصل اخطار و تکلیف به پاک‌سازی مناطق مین‌گذاری شده و میادین مین بعد از توقف عملیات نظامی طراحی شده است (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۸۹). براساس این اصل، طرفین مین‌گذار بایستی جزئیات محل ریختن مین‌ها را برای تضمین اطلاع‌رسانی دقیق و جمع‌آوری و خنثی‌سازی مین‌ها بعد از پایان یافتن مخاصمه مسلحانه، ضبط و ثبت نمایند (1907 Hague Convention VIII) که مورد تایید دستورالعمل‌های مختلف نظامی نیز قرار گرفته است.¹ در واقع، نظارت یا دیده‌بانی میدان مین می‌تواند یک اقدام احتیاطی مناسب برای کاهش خطر و آسیب برای کشتیرانی صلح‌آمیز باشد که این امر از طریق اخطار به کشتی‌های صلح‌آمیزی که سهواً نزدیک میادین مین شده‌اند، حاصل می‌شود. براساس دستورالعمل سان رمو این قاعده انواع مین‌هایی را که باید ثبت شود را محدود نمی‌کند، و هیچ تصریحی در مورد ثبت مین‌های مسلح یا غیرمسلح (کنترل شده) نشده است. با این حال، با توجه به تفسیر کتابچه راهنمای سان رمو، این قاعده چنین ثبت کلی را

¹ See also: DEPARTMENT OF DEFENSE LAW OF WAR MANUAL, 2015: 896; 2007 NWP 1-14M 9.2.3; 1997 NWP 9 9.2.3 1989 NWP 9 9.2.3, Article 5; 1995 U.S. Navy Commander's Handbook, para. 9.2.3; U.K. Manual, paras. 13.56, 13.62-13.63; Canadian Manual, paras. 836.1, 842-843; German Manual, para. 1043; Australian Manual, para. 8.23; ICRC Model Manual, paras. 1709(e), 1709.1; San Remo Manual, paras. 84, 90-91.

الزام نکرده است مگر این که خطری برای کشتیرانی بی طرف وجود داشته باشد (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 585; Mundis, 2008: 227) (فان هینگ, ۱۳۸۷: ۵۸۹). با این وجود، امروزه فناوری حاصله در عرصه مین‌های دریایی تا حدودی می‌تواند دست‌یابی به این مهم را آسان‌تر نماید، به‌گونه‌ای که می‌توان بین مین‌ها و کنترل‌کننده از طریق کابل فیبر نوری^۱ و یا مدم‌های صوتی^۲ ارتباط برقرار نمود. سیم‌های شناور ماندگار در آب یا ایستگاه‌های کنترل و دریافت‌کننده امواج در کنار دریا را می‌توان برای نظارت و کنترل از راه دور مورد استفاده قرار داد. می‌توان از فناوری شبکه‌ای برای برقراری ارتباط مین‌ها با یکدیگر و یا سنسورها استفاده نمود و از این طرق قابلیت‌های آنها را برای کشف، مکان‌یابی، شناسایی و ردیابی موثر گسترش داد. از این‌رو از طریق سنسورهای مختلف و راه‌های ارتباطی می‌توان کنترل مستقیم انجام داد: مین‌ها را می‌توان فعال و غیرفعال نمود، تنظیمات‌شان را تغییر داد، یا می‌توان آنها را با استفاده از کد رمز (پیام) و به هنگام عبور کشتی‌های دوست به‌طور موقت غیرفعال کرد. سرانجام در شرایطی که زمان زیادی نداریم، مین‌ها می‌توانند موقعیت‌شان را به‌طور خودکار برای پاکسازی، غیرفعال شدن یا تخریب گزارش دهند (Hurley, 1997: 2). استفاده از هریک از فناوری‌های ذکر شده نظارت و مراقبت موثر را بهبود می‌بخشد. با این وجود احتیاط موثر بر این است که محل مین‌های مدرن با چنین فناوری‌هایی نیز ثبت شود تا در صورت قطع ارتباط و یا عدم کنترل در هر صورتی، اخطارهای لازم در خصوص موقعیت آنها صادر شود.

اصل کنترل خطر. «مسأله پیش‌بینی، تقریباً با اصل کنترل خطر مرتبط است که از مواد ۱ و ۳ کنوانسیون مربوط به کارگذاری مین‌های تماسی خودکار زیردریایی ناشی می‌شود. کنترل خطر به معنای این است که طرف مین‌گذار دائماً متعهد به اجرای نظارت‌های مراقبتی و احتیاطی بر منطقه مین می‌باشد. اصل کنترل خطر دولت‌ها را متعهد می‌نماید به هنگام مین‌ریزی، با اعمال روش‌های صحیح از ایجاد خطر برای کشتیرانی صلح‌آمیز جلوگیری کرده یا محدودیت ایجاد نمایند. براساس اصل کنترل خطر دولت مین‌گذار متعهد است تمامی اقدامات احتیاطی و موثر را با تجهیز نمودن مین‌ها به ابزارهای کنترلی و مراقبتی به‌عمل آورد» (فان هینگ, ۱۳۸۷: ۵۸۹). در راستای اعمال این اصل و تعهدات ناشی از آن می‌بایستی بین انواع مین‌ها (مسلح یا کنترل شده) تفکیک قائل شد. در خصوص اعمال ماده ۱ کنوانسیون لاهه در مورد مین‌های تماسی زیردریایی، نسبت به مین‌های کنترل شده، که فعال شدن و غیرفعال

¹ fiber-optic

² acoustic modems

شدن آنها تحت کنترل فرد کنترل‌کننده می‌باشد، بایستی با دیده اغماض نگریست. برای نمونه «مین‌های کنترل شده و به‌ویژه مین‌های طراحی شده برای اهداف جنگی ضد زیردریایی عموماً کشتیرانی صلح‌آمیز روی آب را در معرض خطر قرار نمی‌دهند» (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۸۹). از این‌رو، بایستی مین‌های کنترل از راه دور را فقط در جایی کار گذاشت که سیستم کنترل، قابل اطمینان و حتمی باشد. البته سیستم‌های کنترل وابسته به امواج طول بلند از خشکی، مستلزم مقدار قابل ملاحظه‌ای از انرژی است و احتمالاً مصون از خطا و اشتباه نخواهد بود. البته مین‌های کنترل شده نیاز به این ندارند تا مطابق با ماده یک کنوانسیون هشتم لاهه یک ساعت پس از این‌که در کف اقیانوس مستقر شدند، خنثی و بی‌خطر شوند. لکن در راستای اصل کنترل خطر، مین‌ها بایستی به ابزار خنثی‌کننده مجهز باشند. و اگر سیستم کنترل از راه دور معیوب شد و در واقع نقض‌هایی در آن ایجاد شد، ضمن اعلام یک اخطار موثر از طرف متخاصم، بایستی مین‌های غیرایمن شده را به همان فوریتی که از کنترل خارج می‌شوند بی‌خطر و خنثی شوند. در حقیقت این مین‌ها بایستی مجهز به ابزار خنثی‌شونده یا خود نابودگر باشند (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۹۰).

دستورالعمل سان رمو نائل شدن به الزامات ناشی از تعهدات اساسی حقوق عرفی مربوط به نظارت بر مین‌ها را به‌ویژه در شرایطی که کنترل بر چنین مین‌های سرگردانی (شناور) غیرممکن است را گسترش داده است. این قاعده، نه تنها برای مین‌های سرگردان، بلکه، همچنین نسبت سایر مین‌ها، از قبیل مین‌های کف‌نشین که مدت زمان قابل توجهی از رها شدن‌شان سپری شده است نیز اعمال می‌شود. الزام چنین تعهدی در تصمیم دیوان در قضیه کانال کورفو منعکس شد، با وجود فقدان هرگونه مدرک مستقیمی در ارتباط با وجود مین در کانال کورفو که ناشی از تخلف آلبانی باشد، مسئولیت بین‌المللی آلبانی، مورد تصدیق دیوان قرار گرفته شد (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 582; Corfu Channel, 1949 I.C.J. 4 at 22,) (German Manual, 1992: para 1040).

اصل اطلاع‌رسانی و اخطار. تعهد به اخطار و اطلاع‌رسانی درست از زمانی آغاز می‌شود که کنترل موثر خطر، از میان برود. متخاصم تنها وقتی متعهد به اطلاع‌رسانی بین‌المللی در مورد محل مین‌های مسلح به‌کار گذاشته شده است، که ضرورت نظامی اجازه انجام آن را بدهد. چنین اطلاع‌رسانی ممکن است از طریق مقامات سخنگوی عمومی، سازمان ملل متحد، مجاری دیپلماتیک، یا اخطار به دریانوردان انجام شود (HAGUE VIII art. 4; DEPARTMENT OF DEFENSE LAW OF WAR MANUAL, 2015: 895; German Manual, 1992: para 1040). براساس دستورالعمل سان رمو نیز، کشتیرانی بین‌المللی می‌بایستی از مین‌های مسلح

ریخته شده یا مین‌های مسلح از پیش ریخته شده آگاهی داشته باشند، مگر در مواردی که آنها صرفاً علیه کشتی‌هایی که اهداف نظامی هستند به کار گرفته شوند^۱ (San Remo Manual, 1994: Explanation, para. 83.3). این قاعده تعهد بیشتری نسبت به ماده ۳ کنوانسیون لاهه ایجاد کرده است، ماده ۳ به سادگی الزام به اطلاع‌رسانی را صرفاً در صورتی که «ضرورت نظامی» اجازه داده باشد، پذیرفته است. بنابراین این چنین الزامی اثر قاعده را تضعیف می‌کند. این در حالی است که «ضرورت نظامی» در حال حاضر صرفاً از عنصر «تناسب» که برگرفته از مواد ۵۱ و ۵۷ پروتکل الحاقی اول ژنو می‌باشد، ناشی می‌شود (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 583). شایان ذکر است جنبه‌ای از این قاعده مربوط به کاربرد مین‌ها در جنگ ضد زیردریایی می‌باشد. با توجه به اینکه تعداد کمی از زیردریایی‌ها تجاری هستند، این موضوع قابل بحث است که یک میدان مین زیرآبی تنها علیه زیردریایی‌ها به کار گرفته می‌شود که به عنوان نمونه‌ای از یک میدان مین است که اهداف آن صرفاً اهداف مشروع نظامی می‌باشد، و قاعده اخطار در اینجا کاربردی ندارد و مسلماً صدق نمی‌کند. البته در این خصوص نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که حتی به هنگام به کارگیری این قبیل مین‌ها که هدف آنها جنگ ضد زیردریایی است، دولت مین‌گذار متعهد است علاوه بر تامین امنیت کشتیرانی صلح‌آمیز اقدامات احتیاطی را در خصوص عدم ورود خسارت به تأسیسات، کابل‌ها و لوله‌های زیر دریایی دولتی طرف و غیرمتخاصم به عمل آورد. پرواضح است، امروزه تا حدودی اصل اطلاع‌رسانی به موجب فناوری‌های جدید دریایی تغییر یافته است. به عبارت دیگر با توجه به نوع مین دریایی به کار گرفته شده (خودکار (تماسی یا شناور) و یا کنترل شده)، الزام و تعهد به اطلاع‌رسانی تغییر کرده است. در قضیه کانال کورفو، دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد که آلبانی متعهد بوده است که در مورد مین‌هایی که در کانال وجود داشته به همه کشتی‌ها اطلاع‌رسانی نمایند و آلبانی در انجام چنین تعهدی قصور ورزیده است (Corfu Channel Case, 1949: para. 22). همچنین دیوان در قضیه مین‌گذاری بنادر نیکاراگوئه که به‌طور مخفیانه و بدون اطلاع رسانی و یا هشدار به جامعه کشتیرانی بین‌المللی انجام شده بود، را نقض اصول حقوق

^۱ مطلب مذکور در تصمیمات قضایی، اسناد و دستورالعمل‌های نظامی مختلف مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است که در این خصوص می‌توان به منابع زیر رجوع کنید:

See also 1907 Hague Convention VIII, Article 3; Military and Paramilitary Activities, paras. 76-80, 215, 292(8); The 1995 U.S. Navy Commander's Handbook (at para. 9.2.3), See San Remo Manual, Explanation, para. 83.3; see also U.K. Manual, para. 13.55; Canadian Manual, para. 838.1; ICRC Model Manual, para. 1709(d); San Remo Manual, para. 83. San Remo Manual, Explanation, para. 83.2.

بشردوستانه اعلام کرد که اساس مفاد کنوانسیون هشتم لاهه ۱۹۰۷ و نقض تعهدات حقوق بین المللی عرفی می‌باشد و ایالات متحده را مسئول دانست (Nicaragua, 1986, 25 I.L.M. at (1023, para. 215.

۲-۳ اصول حقوق بین الملل بشردوستانه حاکم بر جنگ مین دریایی

حقوق بشردوستانه بین المللی، قواعد بین المللی ایجاد شده از رهگذر معاهدات یا عرف‌های بین المللی است که حق طرف‌های مخاصمه را برای استفاده از شیوه‌ها یا وسایل جنگی محدود می‌کند یا از دولت‌هایی که طرف مخاصمه نیستند و یا اشخاصی و اهدافی که از مخاصمه متأثر می‌گردند یا محتمل است که تأثیر پذیرند، حمایت به عمل می‌آورد (بند ۵ ماده ۱۳ طرح سان رمو) (زمانی، ۱۳۷۵: ۵۰). حقوق بشردوستانه دارای اصول بنیادین است، به سبب ماهیت خود قواعدی هستند که توسط کلیه دولت‌ها حتی توسط دولت‌هایی که کنوانسیون متضمن آن قواعد را تنفیذ ننموده‌اند باید اعمال شود و طرفین مخاصمه ملزم به رعایت آن و حتی متضمن اجرای قواعد آن هستند. حقوق بشردوستانه در هیچ وضعیتی قابل تعلیق نیست؛ و مسئولیت نقض حقوق بشردوستانه علاوه بر کشورها، متوجه افراد نیز هست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۸). «برخی از مهم‌ترین قواعد حقوق بشردوستانه واجد خصیصه نقض ناپذیری مطلق‌اند» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۷۷). از این‌رو دولت‌ها متعهد به عدم نقض قواعد آن در کلیه اوضاع و احوال هستند؛ و ضرورت نظامی را نمی‌توان به عنوان مستمسکی برای تعلیق حقوق مخاصمات مسلحانه مطرح نمود. دیوان دادگستری بین المللی در قضیه کورفو اعلام داشته است که علاوه بر تعهدات کلیه دولت‌ها در قواعد بشردوستانه، معاهدات بشردوستانه به اعتبار ماهیتی که دارند در قبال کلیه دولت‌ها قابل استناد هستند و تابع شرط تبادل و تقابل در روابط بین دولت‌ها نیستند و نقض آن‌ها نمی‌تواند علّتی برای اقدام تلافی‌جویانه باشد (بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین المللی، ۱۳۸۱: ۴۳). با این حال هیچ معاهده و مقررات خاصی که اصول کلی حقوق بشردوستانه بین المللی قابل اعمال بر جنگ زمینی را به جنگ دریایی تسری دهد وجود ندارد. لکن شکی وجود ندارد که این اصول عرفی در مورد همه اشکال مخاصمه مسلحانه کاربرد دارد. شاید مهم‌ترین اصلی که وجود دارد، این است که در هر مخاصمه مسلحانه‌ای طرفین در انتخاب ابزار و روش‌های جنگی محدود می‌باشند. (Mundis, 2008: 189) محدودیت و ممنوعیت به کارگیری بعضی جنگ‌افزارها بر پایه دو اصل اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه، استوار است. اصل اول این‌که در هر مخاصمه مسلحانه، طرف‌های متخاصم در همه حال باید

غیر رزمندگان را از رزمندگان تمایز دهند و در نتیجه نباید از سلاح‌هایی استفاده کنند که قادر به تشخیص هدف غیرنظامی از هدف نظامی نیستند. اصل دوم آنکه نباید بر رزمندگان درد و رنج بی‌بهره وارد کرد. لذا استفاده از سلاح‌هایی که چنین اثری بر رزمندگان دارند و بی‌فایده، درد و رنج آنان را تشدید می‌کنند، ممنوع می‌باشد (ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۴: ۱۵۰). امروزه استفاده از مین‌های دریایی در مخاصمات مسلحانه بر اصول بنیادین: تفکیک، ضرورت نظامی، تناسب، محدودیت‌های عملیاتی (ابزاری و روشی) و مقررات حقوقی بنا شده است (Bruns, 2015: 17). در واقع «اصول بنیادین حقوق جنگ، به‌طور برابر بر جنگ زمینی، دریایی و هوایی اعمال می‌شوند» (Van Baarda, 2006: 7).

اصل تفکیک. اصل تفکیک دارای ماهیت عرفی می‌باشد و در جنگ مین دریایی نیز معتبر است، اصل تفکیک براساس ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول تدوین شده است. براساس اصل تمایز، ریختن مین‌های تماسی ثابتی که به محض این‌که از لنگرشان جدا می‌شوند بی‌ضرر نشوند، ممنوع است. و مین‌های تماسی خودکار شناور، چنانچه ساختارشان به‌گونه‌ای باشد که یک ساعت پس از ریختن و از کنترل خارج شدن بی‌ضرر نشوند، ممنوع است (HAGUE VIII art. 1).^۱ از این‌رو هدف از ماده ۱ کنوانسیون هشتم لاهه بهبود عوارض کشنده و بدون تفکیک «مین‌های تماس خودکار» بود که یک‌بار از «کنترل» خارج می‌شدند. در واقع ماده یک، انعکاس دهنده ضمنی اصل تفکیک (ملاحظات اولیه بشردوستانه) می‌باشد و تا حدودی آینده‌نگرانه و به‌گونه‌ای ابتدایی تمایزی بین رزمندگان و غیرنظامیان را به رسمیت شناخته است و تعهدات مداومی بر طرفین متخاصم برای حفاظت بهتر از کشتیرانی صلح‌آمیز و تامین آزادی دریانوردی تحمیل کرده است، اما دستورالعمل سان رمو به صراحت اظهار می‌دارد که «مین‌ها می‌توانند صرفاً علیه اهداف نظامی مشروع و برای ممانعت از دسترسی دشمن به مناطق دریایی به‌کار برده شوند» (San Remo Manual, 1994: paras. 80). در حقیقت این اولین قاعده برجسته‌ای است که اصل تمایز را، تلویحاً تحت عنوان عرف‌های معاصر در جنگ مین دریایی مورد قبول قرار داده است (Stephens, Fitzpatrick, 1995: 581). با این وجود،

^۱ قاعده مذکور یک قاعده عرفی می‌باشد که در اسناد و دستورالعمل‌های نظامی ملی مختلفی مورد تاکید و تایید قرار گرفته است:

See also DEPARTMENT OF DEFENSE LAW OF WAR MANUAL, 2015: 895; 2007 NWP 9.2.3; 1997 NWP 9 9.2.3; 1995 U.S. Navy Commander's Handbook, para. 9.2.3; U.K. Manual, paras. 13.53, 13.54; Canadian Manual, paras. 836.1, 837.1; Australian Manual, para. 8.23; Interim New Zealand Manual, paras. 710.1; ICRC Model Manual, paras. 1709(b,c), 1709.1; San Remo Manual, paras. 81-82, Explanation, paras. 81.2, 81.3.82.

واقعیت حاکی از آن است که مین‌های شناور آزاد هنوز هم می‌توانند درجه‌ای از فایده نظامی را داشته و به عنوان یک ضرورت تاکتیکی در شرایطی که چنین مین‌هایی می‌تواند تعقیب فوری نیروهای متخاصم حریف را دفع کنند، مورد استفاده قرار گیرند و دستورالعمل سان‌رمو، «ضرورت نظامی» چنین عملی را پذیرفته است (San Remo Manual, 1994: paras. 82). البته این امر توسط سایر دستورالعمل‌های نظامی کشورها نیز مورد تاکید واقع شده است. در واقع، به‌کارگیری مین‌های سرگردانی که پس از یک ساعت خنثی نشوند، به‌طور واضح غیرقانونی می‌باشد و علت اصلی این امر نیز ماهیت عدم تفکیک‌شان می‌باشد که به آسانی کشتی‌های تجاری غیرنظامی را هم‌چون اهداف مشروع نظامی تخریب نمایند (Erickson, Goldstein, Murray, 2009:19). البته در چنین شرایطی، مقرره اطلاع‌رسانی و اخطار می‌تواند به عنوان یک الزام اساسی در نظر گرفته شود که رعایت اصل تمایز را تضمین نماید. با این حال، حتی این ماده، نمی‌تواند مجوز نقض اساسی قواعدی که برای تضمین حمایت از وضعیت یک کشتی خاص وضع شده است را بدهد.

امروزه، پیشرفت فناوری می‌تواند مین‌های مدرن را قادر سازد که قابلیت‌هایی داشته باشند که از تخطی‌هایی که در جنگ جهانی دوم رخ داد جلوگیری و نواقص مین‌های دریایی قدیمی را رفع کند. چنین مین‌هایی می‌توانند از بسیاری از نقص‌های مرتبط با ماهیت غیرکنترلی و بدون تفکیک مین‌های قدیمی، که متأثر از نگرش‌های مربوط به چنین سلاح‌هایی بود، اجتناب کنند. اساساً مین‌های کنترل شده نسبت به مین‌های تماسی قابلیت بیشتری برای رعایت اصل تفکیک و تمایز دارند. برای نمونه توسعه کلاهک‌های غیرمهلک برای مین‌های دریایی می‌تواند برخی گزینه‌های منحصر به فرد را در تماس با اهداف ایجاد کند. برای مثال، مین‌هایی که اهداف‌شان را ناتوان می‌کنند نسبت به آنهایی که غرق می‌کنند، می‌توانند برای محاصره بنادر، با کمترین تلفات انسانی مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین عملیات‌های مین‌گذاری که مستقیماً علیه اهداف نظامی نیستند یا قادر به تمایز نمی‌باشند را ممنوع کرده است. از این‌رو اصل تمایز نه تنها در اصطلاح مندرج در اسناد مربوط به خود تخطی‌ناپذیر باقی‌مانده است، بلکه در کنوانسیون لاهه و دستورالعمل سان‌رمو و نیز حقوق بین‌الملل عرفی منعکس شده است و به عنوان یکی از اصول حقوق مخاصمات مسلحانه در جنگ دریایی و جنگ مین دریایی قابل اعمال می‌باشد.

اصل ضرورت. منطق رایج و مشهورترین دلیل در جهت حقوق جنگ، درخواست برای انسانی کردن جنگ از طریق متعادل ساختن «ضرورت نظامی» با «علائق و نگرانی‌های بشری»

است. اصل ضرورت در فعالیت نظامی باید بر اساس دلایل نظامی توجیه شده باشد؛ فعالیتی که فاقد ضرورت نظامی باشد، ممنوع است. (کنعانی، سپاه‌رستمی، حسین‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۰). از این رو، قواعد کلاسیک مربوط به کار گذاشتن مین‌های دریایی، همان‌گونه که در کنوانسیون لاهه مشخص شده، نه تنها بایستی مطابق با فحوای مندرج در خود کنوانسیون توجیه‌شوند؛ بلکه بایستی مطابق با اصل ضرورت نیز توجیه شوند. در جنگ مین دریایی، هدف اصلی مورد حمله قرار دادن اهداف نظامی و حمایت از کشتیرانی بی‌طرف است. از این رو براساس اصل ضرورت حمله به کشتیرانی بی‌ضرر هیچ مزیت نظامی برای طرفین متخاصم در بر نخواهد داشت. اصل اخطار از جمله اصولی است که در تقابل با اصل ضرورت نظامی می‌باشد، از این رو طرف متخاصم تنها وقتی متعهد به اخطار دادن در مورد مناطق خطر با وضعیت منطقه مین است که ضرورت نظامی اجازه دهد. البته این بدان معنی نیست که طرف متخاصم می‌تواند از دادن اخطارهای موثر، زمانی که هنوز پیشرفت نظامی بالقوه وجود دارد، خودداری ورزد. بر عکس طبق اصول کلی حقوق جنگ دریایی، پیشرفت نظامی مورد نظر باید در شرایط حاکم بر زمان، قطعی باشد. در صورت وجود شک و تردید، محدودیت‌های مناطق مین‌گذاری باید حداقل به-طور تخمینی اطلاع داده شود (فان هینگ، ۱۳۸۷، ۵۹۱).

اصل تناسب. اصل تناسب در عملیات جنگ مین دریایی اصلی بنیادین و اساسی می‌باشد و متخاصمین را به خودداری از ایراد خسارت غیر متناسب به منظور برتری نظامی که باید حاصل و عاید گردد، ملزم می‌کند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۷۵: ۲۳). بنابراین، در زمینه جنگ مین دریایی، دولت‌ها از «حق» مین‌گذاری خود بهره می‌برند، اما چنین اقداماتی بایستی از لحاظ استراتژیک در وضعیت حق دفاع مشروع، تناسب داشته باشد. براساس کنوانسیون لاهه در شرایطی فعالیت مین‌گذاری غیرقانونی است که اساساً منجر به نقض حق آزادی دریانوردی بین‌المللی و تهدید کشتیرانی صلح‌آمیز شود، برای نمونه، آمریکا به هنگام مین‌گذاری بنادر ویتنام شمالی، از شرایط کنوانسیون لاهه پیروی کرد، و سه روز قبل از مین‌ریزی اطلاع‌رسانی را انجام داد و در خطوط کشتیرانی بین‌المللی مین‌گذاری نکرد. با این وجود چون تجارت دریایی با ویتنام شمالی تقریباً به طور کامل محدود شده بود، منجر به نقض ماده ۲ کنوانسیون لاهه و اصل تناسب شد. (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 571). در این قضیه مین‌ها کشتی‌ها را بدون تفکیک، بدون توجه به محموله‌ها و یا اهداف و بدون این‌که ابتدا مقررات مربوط به تصرف در مورد آنها رعایت شود، غرق نمودند (Jeffrey Drew, 2012: 22). در حقیقت تعادل بین آزادی دریانوردی و اقدامات انجام شده طبق حق دفاع مشروع معیاری برای سنجش اصل تناسب در

مخاصمه مسلحانه دریایی است که یکی از ویژگی‌های جامع حقوق جنگ مین دریایی می‌باشد. دیوان در قضیه نیکاراگوئه و امریکا، مین‌گذاری بدون تناسب را محکوم کرد و دوباره تأیید کرد که چنین اقداماتی نقض اصول بشردوستانه بین‌المللی می‌باشد.

اصل محدودیت. «محدود کردن ابزارها (ماده ۲۲ لاهه) و روش‌های جنگی (ماده ۳۵ بند ۱ پروتکل الحاقی اول)، به معنی تعادل برقرار کردن بین ضرورت نظامی و آسیب‌های وارد آمده به‌وسیله برپایی جنگ در جهت حمایت از افراد غیررزمنده است.» (Doebbler, 2005: 39) (ماده ۳۵ بند ۱ پروتکل الحاقی اول). کنوانسیون هشتم لاهه اصل نامحدود نبودن حق طرفین مخاصمه در انتخاب روش و ابزارهای جنگی را به عنوان اصلی کلی در خود دارد. از این رو با توجه به اهداف اعلام شده در مقدمه کنوانسیون چنین به نظر می‌رسد که هدف کنوانسیون، ممنوعیت کاربرد مین‌های خودکار تماسی نبوده بلکه اعمال محدودیت و کنترل آنها بوده است. به‌عبارت دیگر، مین‌های دریایی به خودی خود ماهیتی نامشروع ندارند بلکه شیوه به‌کارگیری آنها باید تحت کنترل قرار گیرد. مقدمه کنوانسیون لاهه «اصل آزادی دریانوردی را برای کلیه ملل» مورد شناسایی قرار داده است و از سوی دیگر بیان می‌دارد که این کنوانسیون برای اعمال محدودیت و کنترل مین‌های دریایی در راستای تعدیل مخاصمات دریایی و تضمین امنیت کشتیرانی صلح‌آمیز مدون شده است. مسلماً یک مخاصمه مسلحانه دریایی، محدودیت‌هایی بر آزادی دریانوردی دولت‌های بی‌طرف وارد خواهد کرد. با این حال این فرض که مین‌گذاری در آب‌های سرزمینی طرفین درگیر و در دریا‌های آزاد قانونی است به این معنا نیست که حق مین‌گذاری توسط طرفین درگیری نامحدود است، بلکه «مین‌ها صرفاً علیه اهداف نظامی قانونی به‌کار گذاشته می‌شوند و متخصصین نبایستی مین‌ریزی را صرفاً به‌منظور ممانعت از کشتیرانی تجاری به‌کار گیرند» (HAGUE VIII art. 2; International Security Department, 2014: 6; DEPARTMENT OF DEFENSE LAW OF WAR MANUAL, 1997 NWP 9.2.3; 2007 NWP 1-14M 9.2.3; 2015: 896).

اصل اقدامات احتیاطی. ماده سوم کنوانسیون لاهه متضمن دو قاعده می‌باشد، قاعده اول مقرر می‌نماید که طرفین متخاصم ملزم به رعایت کلیه تدابیر و جوانب احتیاطی به منظور حفظ امنیت کشتیرانی صلح‌آمیز هستند. برقراری امنیت کشتیرانی برای کلیه کشتی‌هایی است که در مخاصمه درگیر نمی‌شوند، لذا ماده فوق؛ کشتی‌های متخاصم، کشتی‌های بی‌طرف ناقض حقوق بی‌طرفی، و کشتی‌های بی‌طرفی که توسط کشتی‌های متخاصم اسکورت می‌شوند را مستثنی نمی‌کند. و قاعده دوم طرفین متخاصم را ملزم می‌کند، «حداکثر تلاش خود را برای

خنثی نمودن مین‌ها در کم‌ترین زمان ممکن به‌کار گرفته، و مناطق خطر را تحت نظارت قرار دهند» (6: International Security Department, 2014). در این راستا وقتی متخاصمین اقدام و یا تصمیم به عملیات مین‌گذاری در آب‌های داخلی، دریای سرزمینی یا آب‌های مجمع‌الجزایری دیگر متخاصمین می‌نماید، بایستی اجازه یا آزادی خروج کشتی‌های بی‌طرف را تضمین نماید (1907 Hague Convention VIII, Articles 3; San Remo Manual, 1994: para. 85; U.K. Manual, para. 13.57; Canadian Manual, para. 836.1). از این‌رو وقتی که مین‌های دریایی به‌کار برده می‌شوند، تعهد کلی به اتخاذ اقدامات احتیاطی برای حمایت از غیرنظامیان اتخاذ می‌شود، به‌ویژه هنگامی که یک مین تماسی خودکار قرار داده می‌شود، می‌بایستی هر اقدام احتیاطی ممکن را برای امنیت کشتیرانی بین‌المللی اتخاذ نمود (HAGUE VIII art. 3; DEPARTMENT OF DEFENSE LAW OF WAR MANUAL, 2015: 895). از جمله این‌که می‌توان مسیرهای جایگزین و عبور امن و هدایت شده را ایجاد نمود.

۴- حقوق بین‌الملل دریاها و محدودیت‌های جغرافیایی در خصوص کاربرد مین دریایی

حقوق بین‌الملل دریاها به لحاظ محل بروز مخاصمه دریایی تأثیر زیادی بر حقوق مخاصمه مسلحانه داشته است. حقوق دریاها قلمرو مکانی اعمال حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها را در گستره دریاها و اقیانوس‌ها تحت تأثیر خود قرار داده و بدین وسیله بازنگری حقوق سنتی جنگ دریایی و به‌ویژه کنوانسیون هشتم لاهه را ضروری ساخته است (زمانی، ۱۳۷۵: ۴۲). چرا که حقوق دریاها دارای موقعیت چندانی در طول جنگ جهانی دوم نبود. در آن زمان حقوق بین‌الملل تنها دو منطقه تحت صلاحیت در دریا را شناسایی کرد. اول دریای سرزمینی که بیشتر از سه مایل دریایی در عرض وسعت نداشت، و تحت حاکمیت دولت ساحلی بود؛ و دوم دریای آزاد که از حد بیرونی دریای سرزمینی به سوی دریا آزاد امتداد پیدا می‌کرد، که این فضا برای همه آزاد بود. اما هر استفاده‌کننده‌ای مکلف بود که به حقوق دیگران احترام بگذارد. در نتیجه در طول جنگ جهانی دوم متخاصمین مجوز انجام عملیات‌های دریایی در هر جایی از دریا را به جزء آب‌های داخلی و دریای سرزمینی دولت بی‌طرف را داشتند (Ashley, 2002: 370). در واقع «کنوانسیون هشتم لاهه هیچ ممنوعیت کلی و هیچ محدودیت جغرافیایی خاصی را برای استفاده از مین‌های تماسی خودکار در خود درج نکرد». ماده ۲ به عنوان تنها ماده در مورد منطقه مین‌گذاری شده، اشاره می‌دارد که کارگذار مین‌های تماسی زیردریایی خودکار دورتر از سواحل و بندرهای دشمن را تنها با هدف جلوگیری از کشتیرانی تجاری منع می‌کند» (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۸۴). در حقیقت، ماده ۲ در اثر تحولات حقوق بین‌الملل دریاها تغییر

یافته است. میرهن است، نواحی عملیات جنگ دریایی در کنوانسیون حقوق دریاها و دستورالعمل سان رمو تغییر یافته و بر یکدیگر تاثیر گذاشته‌اند. البته این مصالحه ناخوشایند برخوردی پیوسته به واسطه ادعاهای دریایی بیش از حد می‌باشد، بنابراین دولت‌ها بایستی دست به اقدامات ضروری برای پاسداری از دست‌آوردهای هر دو کنوانسیون حقوق دریاها و دستورالعمل سان رمو بزنند. به نظر می‌رسد دستورالعمل سان رمو و کنوانسیون حقوق دریاها در مورد مناطق عملیاتی دارای مقررات کافی می‌باشند (Jeffrey Drew, 2012: 108). اما نحوه انجام عملیات مین‌گذاری در برخی از این مناطق به خصوص مناطق دریایی دولت‌های بی‌طرف محل تامل است. نمونه این قلمروها، مناطق انحصاری و اقتصادی و فلات قاره می‌باشد (که به هنگام وضع کنوانسیون هشتم لاهه وجود نداشتند) که به عنوان یک منطقه محتمل با محدودیت‌های خاص برای انجام جنگ دریایی مطرح است و «می‌توان در مواقعی که نیاز است مین‌های تأخیری را از راه دور در این منطقه فعال کرد و می‌توان سلاح‌های خاصی را برای جنگ ضد زیردریایی در بستر دریا کار گذاشت» (N., 1988: 26).

کنوانسیون حقوق دریاها در وهله اول مربوط به استفاده صلح آمیز (و زمان صلح) از دریاها می‌باشد و بنابراین حاوی مقررات خاصی که به‌طور مستقیم جنگ دریایی و یا به‌طور خاص استفاده از مین‌های دریایی را در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تنظیم کند، نمی‌باشد. با این وجود، برخی جنبه‌ها در کنوانسیون حقوق دریاها وجود دارد که در هر دو زمان صلح و زمان مخاصمات مسلحانه اعمال می‌گردد (Letts, 2014: 462). در بحث حاضر بیشتر مباحث مربوط به زمان مخاصمه مدنظر است. از این‌رو، با شروع عملیات جنگی، رابطه میان متخاصمین، دیگر تابع قواعد حقوق بین‌الملل دریاها در ارتباط با عبور بی‌ضرر، عبور ترانزیت یا عبور از مسیر کشتیرانی در آب‌های مجمع‌الجزایری نیست (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۹۶). البته می‌بایستی بین روابط بین دولت‌های بی‌طرف و دولت‌های غیرمتخاصم تفکیک قائل شد. مین‌گذاری در قلمروهای دریایی تاحدودی تابع قواعد و شرایط متفاوتی می‌باشد که علاوه بر تاثیرپذیری از تقسیمات دریایی از روابط بین متخاصمین با یکدیگر و نیز روابط آنها با دولت‌های بی‌طرف تاثیرپذیری فراوانی دارد.

رویه دولت‌ها بیانگر به‌کارگیری مین‌های دریایی به منظور انسداد دهانه رودخانه‌ها، بنادر و تنگه‌ها و آب‌های بین‌المللی بوده است که خود بیانگر آن است که همواره مین به عنوان یک سلاح مطلوب در ممانعت از استفاده از دریا محسوب می‌شود (Naval Mine Warfare, 2001: 59). حقوق بین‌الملل، طرفین درگیر در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی را از مین‌گذاری در

دریاهای سرزمینی، آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری کشورهای بی‌طرف و تنگه‌های بین‌المللی که با دریای سرزمینی کشورهای بی‌طرف هم‌پوشانی دارد را ممنوع کرده است (1907 Hague Convention VIII, Articles 1-2; San Remo Manual, 1994: para. 86.) این موضوع در دستورالعمل‌های نظامی ملی متعددی و نیز دستورالعمل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مورد تصدیق واقع شده است.^۱ از این‌رو، متخصصین هرگز قادر به ریختن مین‌های دریایی در آب‌های ملی دولت بی‌طرف بدون رضایت‌اش نیستند. مین‌های دریایی می‌توانند در کانال‌های خاص که محل ترافیک کشتیرانی بی‌طرف می‌باشند مستقر شوند، اما نمی‌توانند برای ممانعت از عبور ترانزیت کشتی‌های بی‌طرف از تنگه‌های بین‌المللی یا خطوط دریایی مجمع‌الجزایری استفاده شوند (Department OF Defense Law OF War Manual, 2015: 896).^۲ با این حال، دولت ساحلی می‌تواند از مین‌های دریایی در آب‌های داخلی و سرزمینی خود استفاده کند، البته تا زمانی که فعالیت‌های دولت ساحلی با الزامات معمولی زمان صلح و تعهدات مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها، از قبیل اطلاع‌رسانی در مورد خطرات دریانوردی و یا تعلیق نمودن موقت عبور بی‌ضرر از بخشی از دریای سرزمینی مطابقت داشته باشد. (McLaughlin, 2014; 496) البته چنانچه از مین‌های تماسی خودکار استفاده نمایند ملزم به اطلاع‌رسانی به کشتی‌های در حال عبور بی‌ضرر می‌باشد. مطابق با ماده ۲۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کشور ساحلی اجازه دارد، در شرایطی که برای امنیت‌اش ضروری است، عبور بی‌ضرر را بدون تبعیض اساسی به تعلیق درآورد. با توجه به مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در مورد تضمین حق لاینفک حق عبور بی‌ضرر، اگر طرف‌های متخاصم، مسیرهای جایگزین امن را به سهولت فراهم نکنند، این‌گونه مین‌گذاری‌ها ناقض حقوق بین‌الملل محسوب (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۹۶) و مسئولیت بین‌المللی کشور مربوطه را در پی خواهد داشت. در بحث آب‌های داخلی هر کشور می‌تواند در آب‌های داخلی خود در هر زمانی بدون هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی یا اعلامی از هر دو نوع مین استفاده کند (Department OF Defense Law OF War Manual, 2015: 892). لیکن می‌بایستی تمهیدات لازم در خصوص عدم ورود خسارت به کشتیرانی

^۱ برای نمونه رجوع کنید به:

See also: 1995 U.S. Navy Commander's Handbook, para. 9.2.3; U.K. Manual, paras. 13.8, 13.9, 13.58; Canadian Manual, para. 836.1; Australian Manual, para. 8.23; ICRC Model Manual, para. 1709(f);

^۲ See also: 2007 NWP 1-14M ¶9.2.3. 1997 NWP 1-14M 9.2.3; 1995 U.S. Navy Commander's Handbook, para. 9.2.3; U.K. Manual, paras. 13.8, 13.9, 13.71; Canadian Manual, para. 841.1; Australian Manual, para. 8.23; ICRC Model Manual, para. 1709(f); San Remo Manual, para. 89.

صلح‌آمیز را فراهم آورد.

دستورالعمل سان رمو با تعریف آب‌های دولت بی‌طرف، خطوط دریایی مجمع‌الجزایری و یا تنگه‌های بین‌المللی که رژیم‌های حقوقی خاص مربوط به خود را دارند، را از شمول آن خارج نموده است. حقوق بین‌الملل، مین‌گذاری در آب‌های ملی طرفین متخاصم و در آب‌های بین‌المللی را ممنوع نکرده است، اما اغلب اختلافات زیادی برای توازن مناسب بین منافع طرفین درگیر و حق عبور دولت‌های بی‌طرف ایجاد کرده است (International Security Department, 2014: 6). یک دولت متخاصم می‌تواند بدون رضایت طرف متخاصمه، مین‌ها را در آب‌های ملی حریف قرار دهد، اما متعهد به اطلاع‌رسانی بین‌المللی بوده و بایستی مین‌گذاری صرفاً با هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری نباشد (1907 Hague Convention VIII, Article 2).¹ البته براساس حقوق بین‌الملل عرفی و دستورالعمل سان رمو متخاصمین ملزم‌اند هنگام عملیات مین‌گذاری در آب‌های داخلی، دریای سرزمینی و یا آب‌های مجمع‌الجزایری دشمن، ابتدا به کشتیرانی دولت‌های بی‌طرف اجازه خروج آزادانه را بدهند (San Remo Manual, 1994: para. 85). این قاعده از کنوانسیون لاهه ناشی نشده است، بلکه از اصل کلی تمایز اخذ شده است. این قاعده بازتابی از رویه بین‌المللی است، چنانچه ایالات متحده به‌هنگام مین‌گذاری بندر هایفونگ² در طول جنگ ویتنام، اجازه این امر را داد. البته «دستورالعمل سان رمو یادآور می‌شود که در یک درگیری مسلحانه، استفاده از مین‌های دریایی صرفاً برای یک هدف مشروع نظامی و در صورت مطابقت با قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه، مجاز است» (Letts; 2014: 463).

چنانچه متخاصمین تصمیم به مین‌ریزی در آب‌های بین‌المللی بگیرند، و یا مین‌ها از قبل ریخته شده در آب‌های بین‌المللی را مسلح نمایند، بایستی «منافع مشروع کشورهای بی‌طرف» را مد نظر قرار دهند؛ برای نمونه، دولت متخاصم ملزم است مسیر جایگزین امنی را فراهم نماید (International Security Department, 2014: 7). البته دولت‌ها می‌توانند مین‌های کنترل شده را در آب‌های بین‌المللی بدون اطلاع‌رسانی کار بگذارند، صرفاً اگر این اقدام، موجب اخلا

¹ See also: 1909 London Declaration, Articles 1, 4-5; 1995 U.S. Navy Commander's Handbook, para. 9.2.3; U.K. Manual, paras. 13.69; German Manual, para. 1042.4; Australian Manual, para. 8.23; Interim New Zealand Manual, para. 710.1; San Remo Manual, para. 97, Explanation, para. 97.1. The 1995 U.S. Navy Commander's Handbook asserts (at para. 9.2.3, footnote 33), The German Manual (at para. 1042.4).

² hayfong

در دیگر استفاده‌های مشروع از دریاها نشود (Naval Mine Warfare, 2011: 59). به‌طور کلی براساس حقوق بین‌الملل عرفی و رویه دولت‌ها، مین‌گذاری مناطق نامعلوم و گسترده در آب‌های بین‌المللی ممنوع است، اگرچه می‌توان مناطق محدودی را مین‌گذاری نمود. (Department OF Defense Law OF War Manual, 2015: 896).¹ قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد نیز چنین مین‌گذاری را محکوم کرده است (گاتری، روزنیتی، ۱۳۷۴: ۷). دستورالعمل سان رمو حق ریختن مین‌ها در آب‌های بین‌المللی را به صراحت بیان کرده است. براساس این دستورالعمل، دولت مین‌گذار مکلف به ارائه مسیرهای جایگزین جهت تضمین کشتیرانی و استفاده مشروع از دریای آزاد برای دولت‌های بی‌طرف می‌باشد (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 587). اساساً این تعهدات وقتی مطرح می‌شوند که عبور امن مورد بحث است. بنابراین، ارائه مسیرهای جایگزین تنها روشی که موجب ایجاد اطمینان معقول امنیتی برای عبور کشتی‌های صلح‌آمیز از نواحی مین‌گذاری شده می‌شود، نیست، بلکه اسکورت کشتی‌های بی‌طرف از میان میادین مین روش دیگری است که پذیرفته شده است.

در صورت ضرورت، ممکن است متخصصین نسبت به مین‌گذاری در منطقه انحصاری اقتصادی و مناطق فلات قاره کشورهای بی‌طرف اقدام نمایند. اما در صورت انجام این عمل، می‌بایستی حقوق کشور ساحلی را در رابطه با اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی مد نظر قرار دهند. علاوه بر این دولت‌های مین‌گذار متعهد هستند، عملیات مین‌گذاری و خطراتی که برای کشتیرانی بی‌ضرر وجود دارد را به دولت ساحلی بی‌طرف و کشورهای بی‌طرف اطلاع دهند، مگر این‌که مین‌ها از نوع مین‌های کنترل شده باشند که صرفاً علیه اهداف نظامی استفاده شوند. علاوه بر این طبق دستورالعمل سان رمو متخصصین بایستی اقدام مقتضی را برای حمایت و حفظ زندگی دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره را به عمل آورند (San Remo Manual, 1994: para. 35) در غیر این صورت، کشتی‌های جنگی دولت‌های بی‌طرف می‌توانند در صورت ضرورت و برای تضمین امنیت کشتیرانی بی‌طرف در مسیرهای کشتیرانی بین‌المللی و در دریای آزاد، عملیات مین‌روبی را انجام دهند. و چنین فعالیتی نقض اصل بی‌طرفی محسوب نمی‌شود (German Manual, 1994: para. 1148). که این امر توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه پذیرفته شده است، اقدامات متقابل متناسب در

¹ See also: 2007 NWP 1-14M 9.2.3; 1995 U.S. Navy Commander's Handbook, para. 9.2.3; U.K. Manual, paras. 13.59, 13.60; Canadian Manual, paras. 839-840; Australian Manual, para. 8.23; ICRC Model Manual, para. 1709(f); San Remo Manual, paras. 87-88.

صورتی که تضمینی برای حق آزادی دریانوردی باشند، مجوزی برای فعالیت‌های مین‌روبی می‌باشند (Nicaragua, 25 I.L.M. at 1023, para. 214).

کنوانسیون هشتم لاهه فاقد قاعده‌ای در مورد مین‌گذاری در تنگه‌های بین‌المللی که در محدوده دریایی سرزمینی طرف‌های متخاصم قرار دارند، می‌باشد. علیرغم پیشنهادهای متعددی که در مورد ممنوعیت مین‌گذاری در این تنگه‌ها از سوی هلند ارائه شد، اکثریت رای دادند که مسائل مربوط به تنگه‌ها در دستورالعمل کمیته یا کنفرانس قرار نمی‌گیرد. (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۸۴) به‌طور کلی نایبستی از عبور ترانزیت از طریق تنگه‌های بین‌المللی و عبور از طریق آب‌های موضوع حق عبور از خطوط دریایی مجمع‌الجزایری، ممانعت شود مگر این‌که مسیرهای جایگزین امن و راحتی ارائه شود. در واقع شرایطی که حق عبور ترانزیت اجرا می‌شود احتمالاً بستگی به شرایط حاکم بر زمان دارد. در مورد اینکه آیا در طول یک مخاصمه مسلحانه می‌توان عبور از تنگه‌های بین‌المللی را تعلیق نمود نظرات متفاوت است، منافع امنیت ملی ممکن است دولت ساحلی را محق نماید که به‌طور موقت بوسیله مین‌گذاری حق عبور را تعلیق نماید. اما این مسئله محل اختلاف است (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۹۶). تفسیر دستورالعمل سان رمو وضعیت حقوقی جدیدی را در مورد این آبراه‌ها به رسمیت شناخته است، با این وجود نتیجه گرفته است که مین‌گذاری در این مناطق غیرقانونی نیست، و فی‌نفسه، می‌توان در این مناطق مین ریخت. (Stephens, Fitzpatrick, 1999: 587, CLOS, 1982: art. 53). لکن در حادثه‌ای انسداد تنگه‌ها به این صورت، فقط در شرایط استثنایی مشروع است و نمی‌تواند به‌طور مطلق اعمال شود (فان هینگ، ۱۳۸۷: ۵۹۷). با این وجود، به‌موجب حقوق در جنگ، چنین اقداماتی باید به‌طور خاص با اصول تناسب و ضرورت، متناسب باشند.

نتیجه‌گیری

فناوری‌های جدید و گسترش آنها منجر به انعکاس یک تغییر پارادایم و متغیر کیفی عمده در رفتار متخاصمین شده است. رشد سریع فناوری در عرصه نظامی همواره چالشی برای قواعد پیش‌رو بوده و ابهام موجود در آنها در نهایت منجر به اتخاذ تصمیم یا راهکارهایی برای رفع ابهام مذکور یا تدوین و توسعه قواعد مربوطه شده است. به واقع وقتی فناوری‌های مدرن پا به عرصه ظهور در جنگ‌های مدرن می‌گذارند پایه‌های عقلانی حقوق مخاصمه مسلحانه که در گذر زمان تکامل یافته‌اند نایبستی به ورطه فراموشی سپرد شوند چرا که تفسیر کامل و مفید از

حقوق موجود می‌تواند موجب حفظ اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه شود و قابلیت انطباق‌پذیری با ابزار و شرایط را در پی داشته باشد.

از اعلامیه ۱۹۶۸ سن‌پترزبورگ^۱ که استفاده از گلوله‌های انفجاری کمتر از ۴۰۰ گرم ممنوع شد، جامعه بین‌المللی تلاش خود را برای قاعده‌مند کردن فناوری‌های جدید در جنگ را آغاز کرد و حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز روش‌های پاسخ به رقابت‌های تسلیحات جدید را توسعه داد. مسلماً، به هنگام وقوع مخاصمه مسلحانه دریایی موانع حقوقی برای ممنوعیت به‌کارگیری مین‌های دریایی وجود ندارد. به عبارت دیگر چنانچه مین‌ها منطبق با موازین حقوق مخاصمات مسلحانه به‌کار گرفته شوند ابزاری مشروع محسوب می‌شوند. آرای دیون بین‌المللی دادگستری نشان دهنده این موضوع است. در واقع، ملاحظاتی درباره نوع مین و شیوه به‌کارگیری مین‌های دریایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی وجود دارد که می‌تواند منجر به نقض قواعد مخاصمه مسلحانه شود. از این‌رو طرفین درگیر در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی بایستی به هنگام به‌کارگیری مین‌های دریایی ملاحظات بشردوستانه را مدنظر قرار دهند و فعالیت‌های خود را به‌صورت قانونی انجام دهند تا موجب نقض حقوق مخاصمات مسلحانه نشوند. پرواضح است به‌کارگیری مین‌های تماسی زیردریایی خودکار ثابت و شناور، فناوری‌های بحث‌انگیز و خطری بالقوه برای کشتیرانی صلح‌آمیز و تجاری محسوب می‌شدند. اما با استفاده از به‌کارگیری مین‌های کنترلی و سنسورهای پیشرفته‌تر این نگرانی تا حدودی کاهش خواهد یافت. از این‌رو استفاده از فناوری مین‌های دریایی پیشرفته می‌تواند هم نظارت بهتر را برای دسترسی به طرح‌ریزی عملیات‌های مین‌ریزی تضمین کند و هم آسیب به غیرنظامیان را در چنین عملیات‌هایی کاهش و به حداقل برساند.

بدون تردید قواعد کنوانسیون لاهه در مورد فناوری‌های جدید مین دریایی اگر نه به‌طور کامل، بلکه تا حدود زیادی قابلیت اعمال داشته و برخی قواعد آن تحت تاثیر این نوع فناوری‌ها، توسط حقوق بین‌الملل عرفی و در رویه دولت‌ها تعدیل شده است. در واقع اصول کلیدی که در کنوانسیون لاهه در مورد نحوه استفاده از مین‌های تماسی خودکار زیردریایی تبیین شده است، بدون توجه به دستگاهی که آنها را مستقر می‌کند، به عنوان حقوق بین‌المللی عرفی محسوب می‌شوند. تاثیر حقوق بین‌المللی عرفی و دیگر محدودیت‌های قانونی در استفاده از مین‌های دریایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی منجر به ایجاد قواعد مناسبی برای اعمال محدودیت

^۱ St. Petersburg

بر جنگ افزارهای دریایی می‌شود که می‌تواند مکمل نقص‌ها و خلأهای کنوانسیون هشتم در صحنه مخاصمات مسلحانه دریایی مدرن باشد.

قابلیت اعمال اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق عرفی بر به‌کارگیری مین‌های دریایی از هر نوع، موجب ایجاد محدودیت‌های لازم بر جنگ مین شده است، این مهم توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای مختلفی از قبیل قضیه تنگه کورفو، نیگاراگوئه و سکوه‌های نفتی مورد تایید و تاکید واقع شده است. فی‌الواقع اگرچه شیوه دولت‌ها در به‌کارگیری مین‌های دریایی هم‌چون سایر ابزار و روش‌های جنگی می‌تواند موجب فاجعه‌های انسانی شود، اما به‌نظر می‌رسد فناوری مین‌های دریایی مدرن تا حدودی زیادی منجر به رعایت اصول حقوق بشردوستانه، به‌ویژه تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی و تضمین آزادی دریانوردی می‌شود. از این‌رو از آنجایی که اکثریت مفاد دستورالعمل سان رمو و کنوانسیون لاهه در رویه بین‌المللی دولت‌ها و نیز دستورالعمل‌های نظامی قدرت‌های دریایی مورد تایید واقع شده است، لذا اتخاذ تصمیمی خاص برای تدوین معاهده‌ای جدید و یا بازنگری کنوانسیون هشتم لاهه و یا بازنگری و تصویب دستورالعمل سان رمو به‌منظور تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل معاهده‌ای و عرفی، می‌تواند نظام حقوقی نحوه استفاده از مین‌های دریایی در مخاصمات مسلحانه را در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل و فناوری‌های مدرن غنی نماید.

فهرست منابع

(۱) فارسی:

- ۱- آقایی جنت‌مکان، حسین، قلمرو اجرای مکانی و زمانی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حقوق کیفری بین‌المللی (مجموعه مقالات)، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۲.
- ۲- بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۳- خسروی، علی اکبر، حقوق بین‌الملل دفاع مشروع، مؤسسه فرهنگی آفرینه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۴- رسو، شارل، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید علی هنجنی، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، تهران، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۶۹.
- ۵- شریفی طرازکوهی، حسین، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع) تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۶- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۷- کنعانی، محمد طاهر، سیاه رستمی، هاجر، حسین نژاد، کتایون، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه، کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران، تهران، ۱۳۸۵.
- ۸- گاتری، آندره، رونزیتی، ناتالینو، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) و حقوق جنگ دریایی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری و همکاران، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴.
- ۹- ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیر حسین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مخاصمات مسلحانه داخلی)، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۰- زمانی، سیدقاسم، ساعد، نادر، پیشگفتار ویراستاران، حقوق بشردوستانه در مخاصمه مسلحانه، ترجمه سیدقاسم زمامی، نادر ساعد، ویراسته دیتر فلک، انتشارات شهردانش، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۱- زمانی، سیدقاسم، حقوق جنگ دریایی و تحولات جدید، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۷، زمستان ۷۵.
- ۱۲- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نگرشی بزر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۳- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حسینی، سیدعلی، مسئولیت دولت افغانستان در نتیجه اقدامات نیروهای جهادی و طالبان، مجله حقوق و سیاست، سال دهم، شماره ۲۵، تهران، زمستان ۱۳۸۷.

- ۱۴- فان هینگ، ولف هینشل، حقوق مخاصمه مسلحانه در دریا، حقوق بشردوستانه در مخاصمه مسلحانه، ترجمه سیدقاسم زمامنی، نادر ساعد، ویراسته دیتر فلک، انتشارات شهردانش، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۵- نیکنام، احمد، جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل، مجله دادرسی، ش ۶۶، سال یازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۸۶.
- 16- Doebbler, Curtis to F. J., *Introduction to International Humanitarian Law*, published and distributed by CD publishing, Washigton, 2005.
- 17- Erickson, Andrew S., Goldstein, Lyle J., Murray, William S., Chinese Mine Warfare A PLA Navy 'Assassin's Mace' Capability, CHINA MARITIME STUDIES INSTITUTE U.S. NAVAL WAR COLLEGE, No, 2009.
- 18- GORTNEY, WILLIAM E., Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms, 8 November 2010, As Amended Through 15 February 2016.
- 19- Heinegg, Wolff Heintschel Von, "the International Legal Framework of Submarine Operation", Yearbook on Human *Rihgt*, Tel Aviv University, 2009.
- 20- Hurley, W. J., Naval Mining and Technology, Institute For Defense Analyses, Ida Document D-2058, April 1997.
- 21- Jan W., Van Waning, J., "Naval Mine Warfare," International Military and Defense Encyclopedia, Volume 4, 1993.
- 22- 22. Kalshoven, Frits, Constraints on the Waging of War: An Introduction to international humanitarian law, Cambridge Universiry Press. International Committee of the Red Cross, 2011.
- 23- Kalshoven, Frits, Delissen, Sterid J. M., Tanja, Gerard J., *Humanitarian Law Of Armed Conflict Challenges Ahead*, Martinus Nijhoff Pulishers Dordrecht/ Bosston/London, 408, 1991.
- 24- Klein, Natalie, Maritime Security and The Law The Sea, Oxford univ, Press, 2011.
- 25- Mathews, Robert J., And Mc Cormack, Thimoty L.H., The Chaning Face of Confcit and The Efficiency Of International Humanitarian Law, Cambridge, Klower law International, 1999.
- 26- N. Ronzitti, The Law Of Naval Warfare: A Collection of Agreements And Documents With Commentaries, Kluwer Academic Publisher, 1988.
- 27- Naval Mine Warfare: Operational and Technical Challenges for Naval Forces, NATIONAL ACADEMY PRESS Washington, D.C., 2001, <http://www.nap.edu/catalog/10176.html>
- 28- Professional KnowledgeBook, UNITED STATES NAVAL ACADEMY, Class of 2016.
- 29- Sassòli, Marco, Bouvier, Antoine A., Quintin, Anne, HOW DOES LAW PROTECT IN WAR? Volume I Outline of International Humanitarian Law, Third Edition, ICRC. (<http://www.icrc.org>).
- 30- Schmitt, Michael N, The Law of the Sea and Naval Operations, The Air Force Law Review, Volume 42, 1997.
- 31- Van Baarda, Th. A., And Verwij, D. E. M., Military Ethics: The Dutch Approach A Practical Guide, Konink Iijke, Brill N V, The Netherlands, 2006.
- 32- Ashley, Roach, J., Legal Aspect of Moder Submarine Warfare, Max Planck Yearbook of united nations Law, Volume 6, 2002.

- 33- Bastien, Jean Yves, MVO, CD, International Maritime Law & Blockades Is The 1995 San Remo Manual: Dead in the Water?, CANADIAN FORCES COLLEGE AMSC 6, 2002.
 - 34- Bruns, Sebastian, Curse or Blessing in Hybrid Warfare An unlikely return: Challenges and Opportunities of Mine Warfare, Kiel Conference staff, Panel Two Naval Mines, 2015.
 - 35- Bennet, Chris, *Mine Warfare at sea*, African Security Review, vol. 7, no. 5, 1998.
 - 36- Christina Pateraki, Maria, Eradicating the use of sea mines, Disarmament and International Security Committee (GA 1), Costeas-Geitonas School Model United Nations 2015.
 - 37- Griggs, Chris, Legal Constraints on Maritime Operations Affecting Merchant Shipping, 19 MLAANZ Journal, 2005.
 - 38- Guilfoye, Douglas, The Proliferation Security Initiative: Interdicting Vessels In International Waters To Prevent The Spread Of Weapons Of Mass Destruction?, Melbourne University Law Review, [Vol 29, 2006.
 - 39- International Security Department Workshop Summary, International Law Applicable to Naval Mines, Chatham House The Royal Institute Of International Affairs, October 2014.
 - 40- Letts, David, Beyond Hague VIII: Other Legal Limits on Naval Mine Warfare, International Law Studies, Vol. 90, 2014.
 - 41- McLaughlin, Rob, The Law Applicable to Naval Mine Warfare in a Non-International Armed Conflict, International Law Studies, Vol. 90, 2014.
 - 42- Stephens, D.G., Fitzpatrick, M.D., Legal Aspects of the Contemporary Naval Mine Warfare, 21 Loy. L.A. Int'l & Comp. L. Rev. 553, 1999.
 - 43- Truver, Scott C., u.s. navy mine warfare champion, Naval War College Review, Vol. 68, No. 2, Spring 2015.
 - 44- Truver, Scott C., Mine Warfare in China's Near Seas, Naval War College Review, Vol. 65, No. 2, Spring 2012.
 - 45- Cashman, T. Michael, Sweeping Changes for Mine Warfare: Controlling The Mine Threat, Master Of Arts in National Security Affairs from the Naval Postgraduate School, December 1994.
 - 46- Jeffrey Drew, Phillip, An Analysis of the Legality of Maritime Blockade in the Context of Twenty-First Century Humanitarian Law, A thesis Degree of Master of Laws, Queen's University Kingston, Ontario, Canada March, 2012.
 - 47- Mundis, Daryl A., The Law of Naval Exclusion Zones, A Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, University of London The London School of Economics and Political Science Law Department, May 2008.
- D) Manuals
- 48- BRITISH MARITIME DOCTRINE, Joint Doctrine Publication 0-10 (JDP 0-10), is promulgated as directed by the Chiefs of Staff, Ministry of Defence, section 1-12, August 2011, This publication is available on the Internet at: www.mod.uk/dcdc
 - 49- DEPARTMENT OF DEFENSE LAW OF WAR MANUAL, (JUNE 2015), OFFICE OF GENERAL COUNSEL DEPARTMENT OF DEFENSE United State America, Washington DC.
 - 50- Fight It Right: Model Manual on the Law of Armed Conflict for Armed Forces, ICRC (1999).

- 51- The Manual Humanitarian Law in Armed Conflicts, edited by The Federal Ministry of Defence of the Federal Republic of Germany VR II 3, section 1039, August 1992.
 - 52- The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations, U.S. Navy NWP 114M, U.S. Marine Corps MCWP 5-12.1, U.S. Coast Guard COMDTPUB P5800.7A, 1989.
 - 53- The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations, U.S. Navy NWP 114M, U.S. Marine Corps MCWP 5-12.1, U.S. Coast Guard COMDTPUB P5800.7A, 1995.
 - 54- 54. The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations, U.S. Navy NWP 114M, U.S. Marine Corps MCWP 5-12.1, U.S. Coast Guard COMDTPUB P5800.7A, 1997.
 - 55- The Commander's Handbook on the Law of Naval Operations, U.S. Navy NWP 114M, U.S. Marine Corps MCWP 5-12.1, U.S. Coast Guard COMDTPUB P5800.7A, 2007.
 - 56- The Australian Royal Navy, Manual of International Law, ABR 5179, 3 November 1998.
 - 57- The Canadian National Defence, Law of Armed Conflict at the Operational and Tactical Levels, B-GJ-005-104/FP-021, 2001.
 - 58- The New Zealand Defence Force, Directorate of Legal Services, Interim Law of Armed Conflict, DM 112, 26 November 1992.
 - 59- The UK Ministry of Defence, The Law of Armed Conflict, 2004.
 - 60- The San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea, International Institute of Humanitarian Law, June 1994.
 - 61- The 1868 St. Petersburg Declaration Respecting the Use, in Time of War, of Explosive Projectiles Under 400 Grammes Weight.
 - 62- The 1907 Hague Convention VIII Relating to the Laying of Automatic Submarine Contact Mines.
 - 63- The 1949 Geneva Convention II for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea.
 - 64- The 1977 Geneva Protocol I Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts.
 - 65- The United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982, UN Doc. A/CONF. 62/122 and Corr. 1833 U.N.T.S 3; hereinafter: LOSC.
- F) Case Law:
- 66- 66- Corfu Channel case (UK v Alb.) 1949 I.C.J. (9 April).
 - 67- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicar. V US) 1986 I.C.J. 14 (27 June)
 - 68- ICJ, Case concerning Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Summary of the Judgment of 6 November 2003.